مکاشفه عیسی مسیح

The Revelation of Jesus Christ

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org
May 24, 2007
Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیمِ موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصولِ صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمنِ وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتابِ حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهیِ کتاب‌مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.
— All Rights Reserved —

مقدمه

«وقتی کلمات این نبوّت را می‌خوانیم و به یاد می‌آوریم آن فیضی که ما را از تمام شرارت‌های این زمانه نجات داده است، دلهایمان باید مالامال از ستایش شود. برکت دیگری که ما داریم اطمینان از پیروزی و جلال نهائی است.»

— **آرنو سی. گیبلاین** Arno C.Gaebelein

الف) جایگاه منحصر به فرد در میان کتب مقدس

منحصر به فرد بودن این آخرین کتابِ کتاب‌مقدس، در همان اولین کلمهٔ آن پیدا است: «مکاشفه» یا در اصل یونانی Apokalupsis. این واژه که به معنی «پرده برداشتن» است، ریشهٔ کلمهٔ apocalyptic در زبانهای اروپائی می‌باشد و نوعی سبک نوشتاری است که در کتب دانیال، حزقیال و زکریا در عهد عتیق دیده می‌شود، ولی در عهد جدید تنها همین یک مورد وجود دارد. این واژه به رؤیـاهای نبوتی مربوط به آینده اشاره دارد که از طریق نمادها، تصاویر و دیگر ابزارهای ادبی بیان می‌شود.

کتاب مکاشفه نه تنها به جلو، به زوال همه چیز در آینده و پیروزی قطعی خدا و برّه می‌نگرد، بلکه پایان نامشخص شصت و پنج کتاب دیگر کتاب‌مقدس را به هم ربط می‌دهد. درواقع بهترین راه برای درک کامل این کتاب، شناخت تمامی کتب مقدس است! شخصیت‌ها، نمادها، رویدادها، اعداد، رنگ‌ها و دیگر رموز آن تقریباً هر یک قبلاً در کلام خدا ذکر شده‌اند. عده‌ای این کتاب را به درستی «ایستگاه بزرگ مرکزی» کتاب‌مقدس نامیده‌اند، چرا که همه قطارها به اینجا وارد می‌شوند. کدام قطارها ؟ قطارهائی از اندیشه که از کتاب پیدایش و کتب بعد از آن به حرکت درمی‌آیند، از جمله خط قرمز نجات، قوم اسرائیل، ملل غیریهود، کلیسا، شیطان دشمن قوم خدا، ضد مسیح و بسیاری موارد دیگر.

آپوکالیپس (که از قرن چهارم به غلط آن را «مکاشفهٔ یوحنای رسول» نامیده‌اند، در حالی که در واقع «مکاشفهٔ عیسی مسیح» [۱:۱] می‌باشد)، حقیقتاً اوج کتاب‌مقدس است. این کتاب به ما می‌گوید که همه چیز چگونه به پایان می‌رسد و به کجا منتهی می‌شود. حتی مطالعه اجمالی آن می‌تواند اخطار شدیدی برای بی‌ایمانان باشد تا توبه کنند و در عین حال دلگرمی برای قوم خدا تا ثابت قدم بمانند!

ب) نویسنده

در خود کتاب ذکر شده که نویسنده آن یوحنا است (۱:۱، ٤، ۹؛ ۸:۲۲) که به فرمان خداوند خود، عیسی مسیح دست به نگارش آن زد. شواهد خارجی باستانی، قوی و فراگیر، از این ایده پشتیبانی می‌کنند که منظور از یوحنا، همان یوحنای رسول، پسر زبدی است که سال‌های زیادی در افسس خدمت می‌کرد (شهری واقع در آسیای صغیر، جائی که تمامی هفت کلیسای مذکور در بابهای ۲ و ۳ قرار داشتند). وی توسط دومیتیان به جزیره پطمس تبعید شد، جائی که خداوند به او رؤیاهائی بخشید و او آنها را به رشته تحریر درآورد. او بعدها به افسس بازگشت و

همان جا در سن پیری درگذشت. ژوستین شهید، ایرنائوس، ترتولیان، هیپولیتوس، کلمنت اسکندریه و اوریجن، همگی کتاب مکاشفه را به یوحنا نسبت داده‌اند. به علاوه اخیراً کتابی با عنوان «آپوکریفون یوحنا» (حدود سال ۱۵۰ میلادی) در مصر پیدا شده که مخصوصاً کتاب مکاشفه را به یوحنا برادر یعقوب نسبت داده است.

اولین کسی که با انتساب این کتاب به یوحنای رسول مخالفت نمود، دیونیسیوس اسکندریه بود، زیرا وی که با آموزه هزاره (مکاشفه باب ۲۰) مخالفت می‌کرد دوست نداشت نویسنده آن یوحنای رسول باشد. اشارات مبهم و سست او نخست به یوحنای مرقس و سپس به «یوحنای پیر» به عنوان مولفان احتمالی، فاقد شواهد و مدارک معتبر و قوی است، هر چند بسیاری از محققان معاصر که دیدگاهی لیبرالی دارند نیز یوحنای رسول را نویسندهٔ این کتاب نمی‌دانند. در تاریخ کلیسا هیچ مدرکی در خصوص شخصی به نام «یوحنای پیر» جز نویسنده رسالات دوم و سوم یوحنا به چشم نمی‌خورد. این دو نامه به سبک رساله اول یوحنا می‌باشند و همچنین با سبک ساده و مجموعه واژگان انجیل یوحنا به خوبی هماهنگی دارند.

در حالی که نشانه‌های ظاهری ذکر شده در فوق بسیار قوی می‌باشند، ولی نشانه‌های درونی، روشن نیستند.

گفتمان کتاب ترجیحاً در قالب و سبک خشن سامی، یونانی و حتی شامل برخی اصطلاحات است که متخصصین دستور زبان آنها را «Solecims» (غلط مصطلح) می‌نامند، و همچنین نظم کلامی آن بسیاری را متقاعد نموده که همان شخصی که مکاشفه را نوشته است، نمی‌توانسته است که انجیل را بنویسد.

به هر حال این تفاوت‌ها قابل توضیح بوده و دلیلی بر نفی تشابهات بین این دو کتاب نمی‌باشند.

عده‌ای دیگر، به عنوان نمونه معتقد به نگارش مکاشفه در سال ۵۰ یا ٦۰ میلادی می‌باشند (زمان حکومت کلودیوس یا نرون)، با این دیدگاه که یوحنا انجیلش را خیلی سال بعد یعنی در سال ۹۰ میلادی، وقتی که در زبان یونانی پیشرفت نمود، نوشته است. به هر حال، این هم الزاماً راه حل نیست. کاملاً امکان دارد که یوحنا نویسنده‌ای برای انجیلش داشته است، ولی قطعاً در تبعیدش در پطمس تنها بوده است (فرضیه الهام بر هر دو گزینه اثری ندارد، چونکه خدا نویسندگان و سبک‌های مختلف را به کار برده است، نه یک سبک عمومی برای تمام کتبِ کتاب‌مقدس).

زمینه‌های عمومی از روشنائی و تاریکی، هم در انجیل یوحنا و هم در مکاشفهٔ یوحنا یافت می‌شوند. کلماتی نظیر «برّه»، «غالب آمدن»، «کلمه»، «راستی»، «آب حیات» و غیره، این دو کتاب را به هم متصل می‌کنند. همچنین انجیل یوحنا ۳۷:۱۹ و مکاشفه ۷:۱، از زکریا ۱۰:۱۲ نقل قول می‌کنند، با این وجود از کلمه ای که در ترجمه یونانی معروف به هفتادتنان برای «نیزه» استفاده شده، استفاده نکرده‌اند، بلکه از کلمه دیگری استفاده کرده‌اند که به «نیزه» ترجمه شده است.

دلیل دیگر مبنی تفاوت در گفتار و سبک نگارش انجیل یوحنا و مکاشفه، سبک کاملاً متفاوت ادبی است که این دو کتاب ارائه می‌دهند. علاوه بر آن مقدار فراوانی از عبارت‌پردازی‌های عبری مکاشفه، مشتق از عهد عتیق می‌باشند.

در نتیجه، نگاه سنتی مبنی بر اینکه یوحنای رسول پسر زبدی و برادر یعقوب مکاشفه را نوشته است، دارای یک اساس محکم تاریخی است و مشکل را می‌شود بدون نفی نویسنده حل نمود.

ج) تاریخ نگارش

قدیمی‌ترین تاریخ نگارش مکاشفه که مورد توافق بسیاری قرار گرفته است سال ۵۰ یا ٦۰ میلادی می‌باشد. آن چنان که اشاره شد این گمانه‌زنی مبین سبک نگارش مکاشفه می‌باشد. برخی دیگر بر این باورند که عدد «٦٦٦» (مکاشفه ۱۸:۱۳) پیشگوئی راجع به نرون بوده است، که عده‌ای بر این باور بوده‌اند که که در آن سال نرون زنده می‌شود. واقعیت اینکه چنین نشد، اثری بر پذیرش خود کتاب باقی نگذاشت (شاید این نشان می‌دهد که مکاشفه خیلی دیرتر از زمامهٔ نرون نوشته شده باشد).

پدران کلیسا مخصوصاً به دوران آخر حکومت دومیتان (در حدود سال ۹٦ میلادی)، زمانی که یوحنا در پطمس تبعید بود، اشاره می‌نمودند که در آن زمان یوحنا مکاشفه را دریافت کرده است. از آنجا که این فرضیه قدیمی‌تر، اعلام شده و دیدگاهی گسترده‌تر در میان مسیحیت ارتدکسی است، دلیل ساده‌ای برای پذیرش آن می‌باشد.

د) پیش زمینه و موضوع

راه‌حل ساده برای درک کتاب مکاشفه این است که آن را به سه مبحث اصلی تقسیم کنیم. باب اول حاوی رؤیایی است که یوحنا مسیح را می‌بیند ردای داوری را به عنوان داور پوشیده و در میان هفت کلیسا بر مسند داوری ایستاده است. بابهای ۲ و ۳ در رابطه با عصر کلیسا است، دوره‌ای که هنوز هم در آن زیست می‌کنیم. نوزده باب باقیمانده، در رابطه با وقایع آینده است که پس از عصر کلیسا واقع می‌شوند. پس به ترتیب زیر کتاب را تقسیم می‌کنیم.

۱ـ اموری که یوحنا دید: رؤیای مسیح به عنوان داور کلیساها.

۲ـ اموری که هستند: طرحی از دورهٔ کلیسا از مرگ رسولان تا زمان بازگشت مسیح و بردن مقدسین خودش به آسمان (بابهای ۲-۳)

۳ـ اموری که بعد از این واقع می‌شوند: طرحی از وقایع آینده از ربایش مقدسین به مقصد جاودانیشان (بابهای ٤ الی ۲۲). یک راه آسان برای به خاطر داشتن محتویات این سه بخش از کتاب، به شرح زیر می‌باشد:

الف) بابهای ٤ الی ۱۹ شامل مبحث عذاب است ـ دوره‌ای که حداقل هفت سال ادامه می‌یابد. در این مرحله خدا قوم بی‌ایمان اسرائیل و سایر ملل بی‌ایمان را داوری می‌کند. این داوری به شرح زیر به تصویر کشیده شده است:

(۱) هفت مُهر.

(۲) هفت کرنا.

(۳) هفت جام.

ب) بابهای ۲۰ الی ۲۲ در رابطه با رجعت دوم مسیح و ملکوت او بر روی زمین است ـ داوری بر تخت سفید بزرگ و جاودانگی.

در دورهٔ عذاب بزرگ، هفت مُهر شامل هفت کرنا است. همچنین هفت کرنا شامل هفت جام داوری است. یعنی اینکه دورهٔ عذاب بزرگ را می‌شود در نمودار زیر نشان داد.

مهرها

۷ ٦ ٥ ٤ ۳ ۲ ۱

کرناها

۷ ٦ ٥ ٤ ۳ ۲ ۱

جام‌ها

۷ ٦ ٥ ٤ ۳ ۲ ۱

جملات معترضه در کتاب مکاشفه

نمودار فوق نشان‌دهندهٔ خط اصلی فکری در کتاب مکاشفه است.

به هر حال همچنان که داستان ادامه می‌یابد مشتمل بر تعلیقات فراوانی در معرفی شخصیت‌های بزرگ مختلف و وقایع دورهٔ عذاب بزرگ به خوانندگان می‌باشد. بعضی از نویسندگان به این عبارات معترضه یا الحاقات اشاره کرده‌اند. پاره‌ای از این جملات معترضه اصلی به شرح زیر می‌باشند:

۱ـ ۱٤٤۰۰۰یهودی مقدس مهر شده (۷:۱–۸).

۲ـ ایمانداران غیریهودی در این دوره (۷:۹ـ۱۷).

۳ـ فرشته زورآور با کتابچهٔ کوچک (باب ۱۰).

٤ـ دو شاهد (۱۱:۳ـ۱۲).

٥ـ اسرائیل و اژدها (باب ۱۲).

٦ـ دو جانور (باب ۱۳).

۷ـ ۱٤٤۰۰۰ نفری که در کوه صهیون با مسیح هستند (۱٤:۱ـ٥).

۸ـ فرشته و انجیل جاودانی (۱٤:٦ـ۷).

۹ـ هشدار راجع به انهدام بابل (۱٤:۸).

۱۰ـ اخطار به پرستندگان جانور (۱٤:۹ـ۱۲).

۱۱ـ درو و محصول (۱٤:۱٤ـ۲۰).

۱۲ـ انهدام بابل (۱۷:۱ الی ۱۹:۳).

سمبول‌های کتاب

بیشترین گویش مکاشفه سمبولیک است. اعداد، رنگ‌ها، مواد معدنی، جواهرات، جانوران، ستارگان و شمعدان‌ها همگی به جهت نمادپروازی از اشخاص، وقایع یا حقایق به کار رفته‌اند.

خوشبختانه پاره‌ای از این سمبول‌ها به روشنی در این کتاب تشریح شده‌اند. برای نمونه، هفت ستاره، فرشته‌های هفت کلیسا می‌باشند (۱:۲۰)، اژدهای بزرگ اهریمن یا شیطان است (۹:۱۲). معانی سمبول‌های دیگر در بخش‌های دیگر کتاب‌مقدس یافت می‌شوند. چهار جانور (٦:٤) قبلاً در حزقیال ۵:۱ـ۱٤ تشریح شده‌اند. در کتاب حزقیال ۲۰:۱۰ آنها در قالب کروبین توصیف شده‌اند، پلنگ، خرس و شیر (۲:۱۳)، باب ۷ کتاب دانیال را تداعی می‌کند، آنجا که این حیوانات وحشی اشاره به نماد امپراتوران جهانی یونان، ایران و بخصوص بابل است. سایر سمبول‌ها شامل تعریف روشنی در کتاب‌مقدس نیستند، و ما باید در تفسیر آنها بسیار دقت کنیم.

اهداف کتاب پیدایش

در مطالعه کتاب پیدایش، همچنان که در مطالعه کتاب‌مقدس، همیشه باید فرق بین کلیسا و اسرائیل را مد نظر داشته باشیم. کلیسا یعنی مردمانی که متعلق به آسمانند و با برکات روحانی متبرک شده‌اند و در جلال مسیح، در قالب عروس او خوانده شده‌اند.

اسرائیل یک قوم باستانی و قدیمی می‌باشد که خدا به آنها سرزمین موعود و یک ملکوت زمینی را تحت حکومت مسیحا، وعده داد. کلیسای واقعی در سه باب اول ذکر شده، ولی تا «بزم نکاح برّه» در ٦:۱۹ـ۱۰ اثری از آن دیده نمی‌شود. دورهٔ عذاب بزرگ (۱:٤ – ۵:۱۹) قبل از هر چیز خصوصیتی یهودی دارد.

قبل از پایان این پیش گفتار، لازم است گفته شود که همهٔ مسیحیان کتاب مکاشفه را بر اساس نتیجه‌گیری فوق تفسیر نمی‌کنند. عده‌ای فکر می‌کنند که کتاب مکاشفه تحقق کامل تاریخ کلیسا می‌باشد. عده‌ای هم تعلیم می‌دهند که مکاشفه معرف یک تصویر دائمی از کلیسا از عصر یوحنا به بعد می‌باشد.

کتاب مکاشفه آموزندهٔ حماقت زیستن به خاطر اموری است که به زودی می‌گذرند. کتاب مکاشفه مهمیزی است به جهت یادآوری ما از نابودشدن‌ها، و دلگرمی دادن به ما برای انتظاری بردبارانه برای بازگشت خداوند است. کتاب مکاشفه برای بی‌ایمانان اخطاری است مبنی بر مجازات وحشتناکی که در انتظار کسانی است که نجات‌دهنده را انکار می‌کنند.

طرح کلی انجیل متی

۱. اموری که یوحنا دید (باب ۱)

الف) عنوان و تهنیت (۱:۱ـ۸)

ب) رویای مسیح در ردای داوری (۱:۹ـ۲۰)

۲. اموری که هستند: نامه‌های خداوند ما (بابهای ۲ و ۳)

الف) نامه به کلیسای افسس (۲:۱ـ۷)

ب) نامه به کلیسای اسمیرنا (۲:۸ـ۱۱)

پ) نامه به کلیسای پرغامس (۲:۱۲ـ۱۷)

ت) نامه به کلیسای طیاتیرا (۲:۱۸ـ۲۹)

ث) نامه به کلیسای فیلادلفیه (۳:۷ـ۱۳)

ج) نامه به کلیسای لائودکیه (۳:۱٤ـ۲۲)

۳ اموری که بعد از این واقع می‌شوند (بابهای ٤ تا ۲۲)

الف) رویای تخت خدا (باب ٤)

ب) برّه و هفت تومار ممهور (باب ٥)

پ) گشودن شش مُهر (باب ٦)

ت) نجات‌یافتگان از عذاب بزرگ (باب ۷)

ث) هفت مهر و سپس هفت کرنا (بابهای ۸ و ۹)

ج) فرشته زورآور و کتابچه (باب ۱۰)

چ) دو شاهد (۱۱:۱ـ۱٤)

ح) کرنای هفتم (۱۱:۱٥ـ۱۹)

خ) سیماهای کلیدی در عذاب بزرگ (بابهای ۱۲ـ۱٥)

د) هفت پیالهٔ غضب (باب ۱٦)

ذ) سقوط بابل عظیم (بابهای ۱۷ و ۱۸)

ر) آمدن مسیح و حکومت هزارسالهٔ او (۱۹:۱ الی ۲۰:۹)

ز) مجازات شیطان و تمام بی‌ایمانان (۲۰:۱۰ـ۱٥)

س) آسمان و زمین جدید (۲۱:۱ الی ۲۲:٥)

ش) اخطار پایانی، تسلی، دعوت، طلب برکت (۲۲:٦ـ۲۱)

تفسیر

۱. اموری که یوحنا دید (باب ۱)

الف) عنوان و تهنیت‌ها (۱:۱ـ۸)

۱:۱–۲ اولین آیه بیانگر موضوع کتاب است، یعنی **اموری که بزودی واقع می‌شوند**. کتاب مکاشفه نخست یک مکاشفه راجع به آینده است. این آشکارسازی وقایع آینده، توسط خدا به **عیسی مسیح** داده شد. عیسی مسیح خداوند هم آن را به **فرشته خود** آشکار نمود، و فرشته هم آن را بر **یوحنا غلام مسیح** آشکار نمود. هدف یوحنا از

نوشتن این کتاب، در میان نهادن این مکاشفات با **غلامان** خداوند بود، یعنی تمام ایمانداران واقعی. یوحنا بدین ترتیب **گواهی داد** به کلام نبوتی که **خدا** به او داد و شهادت به آنچه که عیسی مسیح به آن شهادت داده بود. کوتاه کلام اینکه عیسی شهادت داد به آنچه که یوحنا در این رویای آسمانی دید.

۳:۱ بدیهی است که نیّت خدا از این کتاب این بود که در کلیسا خوانده شود، زیرا که او برکت خاصی به **کسی که آن را می‌خواند** و **آنانی** که در جمع آن را می‌خوانند و **آنانی که می‌شنوند** و در دل خود نگه می‌دارند، وعده داد. **وقت** برای تحقق نبوت‌ها **نزدیک** است.

٤:۱ **یوحنا، هفت کلیسا** را در قلمرو امپراتوری رُم در **آسیا** قرار داشتند، مخاطب قرار می‌دهد. این کلیساها در آسیای میانه (ترکیه امروز) قرار داشتند. یوحنا نخست برای این کلیساها تقاضای **فیض...و سلامتی** نمود. فیض به معنی التفات خدا برای مردمان خودش است که شایستگی آن را ندارند و همچنین قدرتی است که لازمهٔ هر روزهٔ زندگی مسیحایی است. **سلامتی** آرامشی است که ایماندار را قادر می‌سازد تا با رنج‌ها، غم‌ها و حتی مرگ مقابله نماید. گفته شده که فیض و سلامتی از ناحیه تثلیث است. فیض و سلامتی از ناحیه او که **هست و بود و می‌آید** می‌باشد. این اشاره‌ای است به خدای پدر و معنی واقعی نام یهوّه است. او خدائی ازلی و ابدی و کسی است که همیشه همان است که بوده است. فیض و سلامتی از ناحیه **هفت روح که در پیش تخت وی هستند** می‌آید. این اشاره‌ای است به خدای روح‌القدس در پّری خود. هفت، عدد کامل و تمام است. تعجب‌آور نیست که عدد هفت بالغ بر پنجاه و چهار بار در آخرین کتابِ کتاب‌مقدس یافت می‌شود.

۵:۱ فیض و سلامتی از ناحیه **عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است،** صادر می‌شود. و این تشریح روشنی از خدای پسر است. او یک **شاهد امین** است. او همچنانکه **نخست زاده از مردگان است،** نیز اولین کسی است که از مردگان برخاسته است و دیگر نمی‌میرد و کسی است که واجد افتخار و برتری در میان تمام کسانی است که از مردگان برمی‌خیزند و از زندگی جاوید برخوردا ر می‌شوند. او همچنین پادشاه تمام پادشاهان زمین است. یوحنا پس از این تهنیت مقدماتی، به بیان شکرگزاری و تکریم خود از عیسی مسیح خداوند می‌پردازد. قبل از هر چیز، او از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که **ما را محبت می‌نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست**. توجه داشته باشید به زمان افعال: محبت می‌کند: یک عمل ممتد، **شست:** یک فعل مربوط به گذشته، یک کار انجام شده. توجه داشته باشید به نظم کلمات: او ما را محبت می‌کند و در واقع او مدت‌ها قبل از اینکه ما را بشوید، ما را محبت نمود و توجه داشته باشید به شکرگزاری او: **به خون خود.** یک ارزیابی صادقانه ما را بر آن می‌دارد که اعتراف کنیم که این بها بسیار گران بود. ما شایسته آن نبودیم که به بهای چنین قیمت گزافی شسته شویم.

٦:۱ محبت او محدود به شستن ما نبود، گرچه می‌تواند چنین هم باشد. او **ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت**. ما به عنوان کهنهٔ مقدس قربانی‌های خاصی در نزد خدا گذرانیده‌ایم: منیّت‌هایمان، دارایی‌هایمان، قدردانی‌هایمان و خدمات‌مان. ما به عنوان کهنه و پادشاه، بیانگر فضیلت‌های کسی هستیم که ما از تاریکی به نور

عظیم خود خوانده است. اگر ما روی چنین محبّتی تعمق کنیم، تنها می‌توانیم به این نتیجه برسیم که او شایسته تمامی جلال، افتخار، ستایش و شکرگزاری است که ما می‌توانیم به او عرضه داریم. و او تنها شایسته آن است که بر تمام زندگی‌های ما، کلیسا، جهان و سراسر کائنات حکمرانی کند. **آمین.**

۷:۱ این وجود متبارک بر ارابه ابرها **می‌آید.** ظهور او نه منحصر به یک مکان و نه نامرئی است، چونکه **هر چشمی او را خواهد دید** (ر.ک متی ۲۹:۲٤–۳۰). کسانی که مسبب مصلوب شدن او بودند، مات و مبهوت خواهند شد. در واقع **تمامی امت‌های جهان** غرق ناله و زاری خواهند شد، چونکه او برای مجازات دشمنان خود و استقرار ملکوت خود می‌آید. ایمانداران از آمدن او شیون و فغان نخواهند کرد، بلکه خواهند گفت: «**بلی، آمین**»

۸:۱ سخنگو در اینجا عوض می‌شود. در اینجا عیسی مسیح خداوند خود را به عنوان **الف و یاء، اول و آخر،** معرفی می‌کند. او زمان و ابدیت را می‌پیماید و واژگان تعالی را معنی می‌کند. او منبع و هدف آفرینش است، و هموست که برنامه خدا را در جهان آغاز نموده و پایان خواهد داد. او **هست** و **بود** و **می‌آید.** او ازلی و ابدی و قادر مطلق است.

ب) رویای مسیح در ردای داوری (۹:۱ـ۲۰)

۹:۱ در اینجا یوحنا خود را به عنوان **برادر و شریک** همهٔ ایمانداران **در مصیبت و ملکوت صبر در عیسی مسیح،** معرفی می‌کند. او در اینجا **مصیبت، صبر** (پایداری) و **ملکوت** را به هم می‌پیوندد. پولس نیز مانند او این موارد را در اعمال ۲۲:۱٤ وقتی که شاگردان را توصیه می‌نمود که «در ایمان ثابت بمانند»، و «با مصیبت‌های بسیار باید داخل ملکوت خدا گردیم»، با هم مرتبط نمود.

یوحنا در جزیره پطمس در دریای اژه به خاطر وفاداریش **به کلام خدا و شهادت عیسی مسیح،** تبعید شده بود. ولی زندان برای او پس از دریافت رویای جلال و داوری تبدیل به اطاق انتظار بهشت شد.

۱۰:۱ یوحنا **در روح شد،** یعنی وارد یک ارتباط شفاف با خداوند شد، یعنی دارای موقعیتی شد که با خداوند وارد ارتباط شد. این جمله شخصی را تداعی می‌کند که می‌باید نزدیک شود تا بشنود. «سرّ خداوند با ترسندگان اوست» (مزامیر ۱٤:۲۵). آن روز، **روز خداوند** بود، یعنی نخستین روز هفته، روز قیام مسیح از مردگان، روزی که به شاگردانش ظاهر شد، روزی که روح‌القدس را فرستاد (پنطیکاست). شاگردان در روز خداوند جمع می‌شدند تا با هم نان را بشکنند (عشاء ربانی)، و پولس مسیحیان قرنتس را سفارش نمود تا در روز اول هفته با هم جمع شوند. بعضی را عقیده بر این است که منظور یوحنا از «روز خداوند» اشاره به روز داوری است که در موردش می‌نویسد، ولی بیان عبارت در اصل کاملاً متفاوت است[۵]

ناگهان یوحنا **آوازی** از **عقب خود،** به وضوح می‌شنود، صدائی بلند مانند **صور.**

۱۱:۱–۱۲ آن آواز از عیسی بود که به او توصیه نمود **آنچه می‌بینی در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسا بفرست.** یوحنا برمی‌گردد تا گوینده این کلمات را ببیند، و متوجه **هفت چراغدان طلا** می‌شود که هر کدام دارای

یک پایه عمودی و چراغی که با روغن روشن می‌شود بر سرش است.

۱۳:۱ شخصی که **در میان هفت چراغدان** بود، کسی بود **شبیه پسر انسان**. در میان او و چراغدان‌ها فاصله‌ای نبود، نه واسطه‌ای، نه فرشتگان و نه هیچ چیز دیگر. هر کلیسائی مستقل بود. مک کونکی (MC Conkey) در توصیف خداوند می‌گوید:

«روح‌القدس برای اقناع پاره‌ای از تصورات ضعیف و اندیشه‌های نارسا و محدود ما از جلال، شکوه و عظمت کسی که می‌آید، کسی که مسیح مکاشفه است، قلمرو طبیعت و سمبول‌ها را به کار برده است.»

ردای او، ردای بلند داوران را می‌مانست. **کمربند سینه وی** سمبول عدالت و امانت است که بدان وسیله داوری می‌کند (ر.ک اشعیا ۵:۱۱).

۱٤:۱ **سر و موی او سفید چون پشم**، و این تصویری است از ازلّیت او، مانند **قدیم‌الایام** (دانیال ۹:۷) و همچنین نشانه حکمت و برتری داوری اوست. عبارت **چشمان او مثل شعلهٔ آتش**، بیانگر دانش کامل، بصیرت لغزش‌ناپذیر و موشکافی گریزناپذیر اوست.

۱۵:۱ پایهای خداوند مانند **برنج صیقلی داده شده** بودند که در کوره تابیده شود. از آنجا که برنج نمونه قوت و اقتدار می‌باشد (ر.ک مزامیر ۱٦:۱۰۷، دانیال ۳۹:۲، زکریا ۱۰:٦ ـ قاموس کتاب‌مقدس ص ۱۷۵ـم)، این عبارت پشتوانه چنین دیدگاهی است که محکمه داوری مد نظر بوده است. **آواز** او مانند امواج دریا و یا آبشار، پرشکوه و ترسناک بود.

۱٦:۱ او **هفت ستاره در دست راست خود** داشت، که اشاره به تملکات، قدرت، تسلط و افتخار می‌باشد. **از دهانش شمشیری دودمه تیز بیرون** آمده بود، و این اشاره به کلام خداست (عبرانیان ۱۲:٤). در اینجا اشاره شده است به قضاوت قاطع و درست نسبت به مردمش، آن چنان که در نامه‌ها به هفت کلیسا مشاهده می‌شود. چهرهٔ او **مانند خورشید نیمروز** تابنده بود، شکوه خیره‌کننده و جلال مافوق تصور خدائیش.

با آمیختن تمام این تعلیمات، می‌توانیم مسیح را در تمام کاملیتش به عنوان تنها اَبَر داور واجد شرایط برای هفت کلیسا مشاهده کنیم و بعداً هم در این کتاب مشاهده خواهیم کرد که او دشمنان خود را مجازات خواهد نمود، «زیرا این زمان است که داوری [باید] از خانه خدا شروع شود» (اول پطرس۱۷:٤). به هر حال توجه داشته باشید این داوری نوع کاملاً متفاوتی از هر جنبه است: کلیساها با هدف خلوص و گرفتن پاداش داوری می‌شوند، و دنیا با هدف مجازات.

۱۷:۱ صحنه دادگاه یوحنا را **چون مرده** نزد پایهای مسیح، می‌افکند، ولی خداوند با آشکار نمودن خود به عنوان **اول و آخر**، که همان لقب یهوّه است، یوحنا را تسلی می‌دهد (اشعیاء ٦:٤٤؛ ۱۲:٤۸).

۱۸:۱ داور شخص زنده‌ای است که قبلاً مرده بود، ولی اینک **تا ابدالاباد زنده** است. او **کلیدهای موت و عالم اموات** را در دست خود دارد. او بر موت و عالم اموات مسلط است، و تنها کسی است که می‌تواند مرده را زنده کند. در اینجا **عالم اموات** به جای روح و **موت** به جای جسم به کار گرفته شده است. وقتی کسی می‌میرد روحش به **عالم اموات** می‌رود ـ عنوانی که برای تشریح وضعیت غیرجسمانی به کار رفته است. بدن در قبر دفن می‌شود.

برای ایماندار جدا شدن از جسم یعنی رفتن به حضور خداوند. در رستاخیز، روح به جسم مجلل شده باز می‌گردد و سپس به سوی خانه پدر ربوده می‌شود.

۱۹:۱ یوحنا می‌بایست **چیزهایی را که دیده** است (باب ۱)، و **چیزهائی را که هستند** (بابهای ۲-۳)؛ و **چیزهائی که بعد از این خواهند شد** (بابهای ٤-۲۲)، بنویسد. این نوشته‌ها شکل کلی کتاب مکاشفه را تشکیل داده‌اند.

۲۰:۱ سپس خداوند رمز **هفت ستاره** و **هفت چراغدان طلا** را برای یوحنا تشریح می‌کند. ستاره‌ها نماد **فرشتگان** یا پیام‌آوران برای **هفت کلیسا** می‌باشند، که با **هفت چراغدان طلا** نشان داده می‌شوند.

برای فرشتگان تعریفات مختلفی ارائه شده است ـ عده‌ای می‌گویند که آنها موجودات فرشته‌آسائی بوده‌اند که نماد کلیساها بوده‌اند، درست همانطور که فرشتگان نماد امت‌ها می‌باشند (دانیال ۱۳:۱۰، ۲۰، ۲۱). برخی دیگر می‌گویند که فرشتگان اسقف‌های (کشیش‌های) کلیساها بوده‌اند، و این توصیفی است که فاقد پشتوانه کتاب‌مقدسی است. و عده‌ای هم می‌گویند که فرشتگان انسان‌های پیام‌آور بوده‌اند که نامه‌های یوحنا را از پطمس گرفته و آنها را به کلیساها تحویل می‌دادند. کلمهٔ یونانی angelos هم به معنی فرشته است و هم به معنی پیک، ولی در این کتاب معنی اول مورد نظر است.

هرچند که نامه‌ها خطاب به فرشتگان است، ولی محتوای آنها به روشنی خطاب به تمام کسانی است که در کلیساها هستند.

چراغدان‌ها نماد حاملان نور و نشانه شایسته‌ای از کلیساهای محلی بودند، که می‌بایست در میان تاریکی‌های این جهان به خاطر خدا بدرخشند.

۲. اموری که هستند: نامه‌هائی از خداوند ما (بابهای ۲-۳)

در بابهای ۲ و ۳ کتاب مکاشفه، نامه‌هائی را می‌بینیم خطاب به هفت کلیسای آسیا. این نامه‌ها را ممکن است حداقل به منظور سه هدف تعریف نمود. قبل از هر چیز بیانگر اوضاعی بودند که عملاً در هفت کلیسای محلی در زمانی که یوحنا این کتاب را می‌نوشت، وجود داشته‌اند. دوم، آنها سیمائی از مسیحیت را بر روی زمین در هر مرحله تاریخ کلیسا ارائه می‌دهند. موارد ذکر شده در این نامه‌ها مبتلابه هر کلیسائی بعد از پنطیکاست بوده‌اند. این نامه‌ها حاوی نشانه‌هائی هستند که هفت تمثیل مندرج در باب ۱۳ انجیل متی را به یاد می‌آوردند. و در آخر، نامه‌ها مشتمل بر پیشگوئی‌های متوالی در مورد تاریخ مسیحیت است و هر کلیسا معرف دورهٔ خاصی از تاریخ مسیحیت می‌باشد. روند کلی اوضاع رو به افول است. بسیاری بر این باورند سه نامه اول حاوی نتیجه‌گیری و چهار نامه بعد مربوط به دورهٔ ربایش است.

بر اساس دیدگاه سوم مبادی تاریخ کلیسا معمولاً به شرح زیر میباشد:

افسس: کلیسای قرن اول عموماً قابل ستایش بود، ولی محبت اولیه خود را ترک کرده بود

اسمیرنا: از قرن اول تا قرن چهارم کلیسا در تحت حکومت امپراتوری رم متحمل آزارهای زیادی شد

پرغامس: در طی قرون چهارم و پنجم مسیحیت با حمایت امپراتور کنستانتین به عنوان یک مذهب رسمی پذیرفته شد.

طیاتیرا: از قرن ششم تا پانزدهم کلیسای کاتولیک رم تا آغاز جنبش اصلاحات، بر مسیحیت دنیای غرب حاکم بود. در شرق هم کلیسای اورتودوکس حکومت می‌کرد.

ساردس: قرون شانزدهم و هفدهم، دورهٔ بعد از اصلاحات بود. و سپس درخشش اصلاحات بزودی رو به تحلیل رفت.

فیلادلفیا: در طی قرون هجده و نوزده کلیسا شدیداً احیاء و جنبشهای بشارتی به اوج خود رسید.

لائودکیه: کلیسای روزهای آخر در قالب کلیسائی که مرتد شده و نه گرما دارد و نه سرما، به تصویر کشیده شد. این است کلیسای لیبرالیسم و دنیاگرائی.

در ساختار این نامه‌ها تشابهی وجود دارد. به عنوان نمونه، هر نامه‌ای با تهنیت به یک کلیسا شروع شده است؛ هر نامه‌ای عیسی مسیح خداوند را به عنوان پادشاهی که دارای ویژگیهای خاصی مناسب با آن کلیسا است، معرفی کرده است؛ هر نامه‌ای حاوی تشریح شناخت خدا از کار کلیسا است که این شناخت با عبارت «می‌دانم» معرفی شده است. از تمام کلیساها بجز کلیسای لائودکیه تقدیر شده است. تمام کلیساها بجز کلیسای اسمیرنا و فیلادلفیا نکوهش شده‌اند. به هر کلیسائی اندرز خاصی داده شده با این تاکید که «به آنچه که روح می‌گوید»، گوش بسپارند و در هر یک از نامه‌ها وعدهٔ خاصی مبنی بر غالب آمدن، داده شده است.

هر کلیسا شخصیت متمایز و خاص خود را دارد. فیلیپس عناوین زیر را برای کلیساها قائل شده است: افسس: کلیسای بی‌محبت؛ اسمیرنا: کلیسای زحمت کش؛ پرغامس: کلیسای صبور؛ طیاتیرا: کلیسای ساز شکار؛ ساردس: کلیسای خواب رفته؛ فیلادلفیا: کلیسائی دارای فرصت‌ها؛ و لائودکیه: کلیسای تن آسا. و الورد مشکلات کلیساها را به طریق زیر دسته‌بندی کرده است: (۱) از دست دادن محبت اولیه شان؛ (۲) ترس از آزارها؛ (۳) ارتداد؛ (٤) انحراف اخلاقی؛ (۵) مرگ روحانی؛ (٦) عدم رعایت روزه؛ و (۷) ولرم بودن[۷].

الف) نامه به کلیسای افسس (۲:۱-۷)

۲:۱ خداوند خود را به عنوان کسی که **هفت ستاره بدست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلا می‌خرامد**، به کلیسای افسس معرفی می‌کند. بیشتر توصیفات خداوند در این نامه‌ها مشابه مندرجات باب مکاشفه می‌باشند.

۲:۲ این کلیسا به خاطر **اعمال** فراوانش، **مشقت**هایش و **صبرش** و تحملش ستوده شده است. این کلیسا متحمل اشرار در درون خود نبود. این کلیسا دارای توانایی تشخیص رسولان دروغین و چگونگی مقابله با آنها بود.

۲:۳-٤ این کلیسا به خاطر نام مسیح مشقات و مصیبت‌ها را با خویشتنداری تحمل می‌کرد و خسته نمی‌شد. ولی مشکل کلیسا این بود که **محبت نخستین خود را** ترک کرده بود. آتش محبت این کلیسا رو به خاموشی رفته بود. عواطف درخشان روزهای اولیه‌اش کم‌رنگ شده بود. وقتی که محبت مسیحیان نسبت به مسیح جاری، گرم،

کامل و آزاد باشد، روزهای بهتری در انتظارشان می‌باشد. مسیحیان افسس پایبند به عقیده و در خدمت فعال بودند، ولی انگیزه واقعی پرستش و خدمت را فراموش کرده بودند.

۵:۲ آنها می‌بایست روزهای خوش اولیه ایمانشان را به خاطر می‌آوردند، و از نقصان در محبت نخستین خود، **توبه** می‌کردند، و خدمات خود را متناسب با زندگی مسیحائی تکرار می‌نمودند. در غیر این صورت خداوند **چراغدان** آنها را **منتقل** می‌نمود، یعنی اینکه جمعشان متفرق می‌شد. شهاداتشان هم می‌مرد.

٦:۲ مورد تحسین‌برانگیز دیگر کلیسای افسس این بود که **اعمال نقولاویان را دشمن** داشتند. ما نمی‌توانیم به طور قطعی بگوئیم که این قوم کجا بوده‌اند. عده‌ای فکر می‌کردند که آنها پیروان یک رهبر مذهبی به نام نیکولاس بوده‌اند. برخی دیگر می‌گویند که این نام به معنی «حکومت بر عوام» می‌باشد و خاستگاه سیستم رهبری روحانیت را ناشی از آن می‌دانند.

۷:۲ کسانی که گوش دارند تا کلام خدا بشوند، تشویق می‌شوند تا بشنوند که **روح به کلیسا چه می‌گوید.**

سپس وعده‌ای به غالب شنوندگان داده شده است. غالب شونده یا شخص پیروز به طور کلی در عهد جدید کسی است که به پسر خدا بودن مسیح، ایمان دارد (اول یوحنا ۵:۵) ـ به کلامی دیگر، یک ایماندار واقعی و ایمانش او را قادر می‌سازد که بر جهان با تمام وسوسه‌ها و فریبهایش غالب آید. شاید در هر یک از نامه‌ها کلمهٔ غالب در رابطه با وضعیت آن کلیسای خاص معنی خاص خود را داشته باشد. یعنی یک غالب آمده در کلیسای افسس، شاید کسی بوده است که خلوص ایمان خود را با برگشت به محبت نخستین، از طریق توبه نمودن نشان داده باشد. چنین افرادی سرانجام **ازدرخت حیاتی که در وسط فردوس خداست،** خواهند خورد. این بدین معنی نیست که آنها با غالب آمدن نجات یافته‌اند، بلکه غلبه آنها نشان دهندهٔ واقعیت تبدیل شدن تجاربشان است. تنها راهی که انسان بدان وسیله نجات می‌یابد، فیض از طریق ایمان به مسیح است. همه آنانی که نجات یافته‌اند از **درخت حیات** میوه خواهند خورد، یعنی آنها وارد قلمرو جاودانگی در بهشت می‌شوند.

کلیسای افسس معمولاً نمونه‌ای از شرایط کلیسا، بلافاصله بعد از وفات رسولان است.

ب) نامه به کلیسای اسمیرنا (۲:۸-۱۱)

۸:۲ اسمیرنا (Smyrna) یعنی تلخی (myrrh). در اینجا مسیح خود را به عنوان آن اول و آخر که مرده شد و زنده گشت، معرفی می‌کند.این توصیف مخصوصاً موجب تسلی کسانی می‌شود که هر روز در معرض خطر مرگ قرار دارند.

۹:۲ خداوند با ملاطفت به مقدسین رنج دیدهٔ خود می‌گوید که **تنگی‌های آنها** را تماماً می‌داند. در ظاهر امر ممکن بود مردم فکر کنند که آنها **دولتمند** هستند. ولی وقتی که امور روحانی مد نظر بود، آنها دولتمند قدرتمند بودند و نه در ظاهر دنیوی شان. آن چنان که چارلز استانلی گفته است: «نزد عیسی بودن و چون او بودن افتخار بزرگی بود ـ در کنار و چون کسی بودن که جائی برای سر نهادن نداشت. من این را آموخته‌ام که عیسی به طور

خاصی شریک خادمان فقیر خود می‌باشد.»

مقدسین (ایمانداران) اسمیرنا به سختی در معرض حملات یهودیان بودند. به عنوان نمونه مورخین از اشتیاق شدید یهودیان در به شهادت رسانیدن پولی کراپ سخن گفته‌اند. آنها ادعا می‌کردند که **یهود** و مردم برگزیده خدا هستند، اما با رفتار کفرآمیزشان نشان دادند که از **کنیسهٔ شیطان** بودند.

۱۰:۲ مسیحیان نباید **از زحماتی که خواهند کشید** بترسند، آنها بزودی متحمل زحماتی می‌شدند. بعضی از آنها به زندان می‌افتادند تا **برای ده روز** با انواع رنج‌ها **تجربه** شوند. شاید این دورهٔ زمانی اشاره به ده مورد آزارهای خاصی برای مسیحیان در دورهٔ امپراتوری رم قبل از کنستانتین باشد، و یا اشاره به ده سال آزاری است که مسیحیان در زمان حکومت دیوکلتیان داشته‌اند.

خداوند ایمانداران را توصیه نمود تا **به مرگ امین** باشند، یعنی مردن را به انکار نمودن ایمان خود به مسیح ترجیح دهند و همان‌ها هستند که **تاج حیات** را که پاداش مخصوص شهیدان است خواهند گرفت.

۱۱:۲ باز هم خداوند به شنوندگان مشتاق توصیه می‌کند صدای روح را بشنوند. به شخص غالب وعده داده شده که از **موت ثانی** صدمه‌ای نخواهد دید. در اینجا شخص غالب کسی است که واقعی بودن ایمان خود را با گزینش در بهشت بودن با ضمیری نیکو، به جای ماندن بر زمین، ثابت می‌کند. او از **موت ثانی** که مجازات تمام بی‌ایمانان است، معاف خواهد شد (۲۰:٦و١٤).

پ) نامه به کلیسای پرغامس (۱۲:۲ـ۱۷)

۱۲:۲ پرغامس (یا پرغامه) یعنی برج بلند. این نامه خداوند را کسی توصیف می‌کند **شمشیر دودمهٔ تیز** دارد. منظور از این عبارت یعنی کلام خدا (عبرانیان ١٢:٤)که خدا بدان وسیله شریران کلیسا را مجازات خواهد نمود (ر.ک. آیه ١٦).

۱۳:۲ پرغامس کانون فرقه پرستندگان امپراتور بود، از اینرو آن شهر محل **تخت شیطان** نامیده شد. علیرغم اینکه شهر توسط کافران احاطه شده بود، کلیسا وفاداری خود را نسبت به مسیح حفظ کرده بود. حتی گرچه یکی از اعضای کلیسا به نام انطیپاس به خاطر اقرارش به عیسای خداوند، شهید شده بود. او اولین شهید شناخته شدهٔ آسیائی است که به خاطر سرپیچی از پرستش امپراتور شهید شد.

۱٤:۲–۱۵ ولی خدا می‌بایست انسان را به خاطر عدم جلوگیری از نفوذ عقاید شریرانه در مجامع مسیحی، سرزنش می‌نمود. کسانی وجود داشتند که پیرو **تعلیم بلعام** و **تعلیم نقولاویان** بودند. **تعلیم بلعام** خوردن **قربانی‌های بت‌ها** و **زنا** را مجاز می‌دانست. همچنین اشاره‌ای است به گفتگوی الاغ با بلعام (اعداد ۲۲:۲۵–۳۱).

تعلیم **نقولاویان**، تعریف نشده است. بسیاری از اساتید کتاب مقدس معتقدند که منظور از نقولاویان، آزادی گرایانی بوده‌اند که مردم را تعلیم می‌دادند، کسانی که در تحت فیض قرار دارند آزادند تا بت‌پرستی کنند و مرتکب گناهان جنسی هم بشوند.

دکتر. سی. آی. اسکوفیلد، این تعلیم را با ظهور حاکمیت روحانیت، مرتبط می‌داند:

ایده نقولاویان، فرضیه‌ای است مبنی بر اینکه خدا نظمی از «روحانیت» یا «کهانت» مشخص کرده است که از سایر مردم عوام متمایز می‌باشند. این عبارت از دو کلمهٔ یونانی تشکیل شده است، niko به معنی پیروز یا غالب، و laos به معنی مردم. عهد جدید چیزی در مورد «روحانیون» نگفته است جز اینکه تمام پسران خدا در این نظم «پادشاهان کهنه» می‌باشند. در کلیسای رسالتی مقاماتی وجود داشته‌اند: مشایخ (یا اسقف‌ها) و شماسان و عطایافتگان: رسولان، انبیاد، مبشرین، کشیشان و معلمان (افسسیان ۱۱:٤). این دسته از افراد احتمالاً ممکن است مشایخ یا شماسان باشند یا نباشند. ولی بعداً ممکن است در دوره رسولان حالتی به وجود آمده باشد که قدرت و حق رای را تنها به مشایخ تفویض کرده باشند که تشکیلات را مدیریت کنند و کلاً خود را به عنوان طبقه‌ای از مردم که بین خدا و مردم قرار دادند مقرر نمایند. اینها نقولاویان بودند. شما ملاحظه خواهید نمود که آنچه این طبقه نخست در افسس و بعداً در دورهٔ رسالتی انجام دادند برای مدت دویست سال در پرغامس یا در دورهٔ حکومت کنستانتین تبدیل به «دکترین» مسیحیت گردید.

۱٦:۲ ایمانداران واقعی به **توبه** دعوت شده‌اند. اگر آنها توبه می‌کردند احتمالاً معلمان دروغین را از جمع خود بیرون می‌کردند، در غیر اینصورت خودِ خداوند وارد عمل می‌شد و **با شمشیر زبان خود** با ایشان می‌جنگید.

۱۷:۲ مقدسین مطیع می‌بایست شنونده آنچه باشند که **روح به کلیساها می‌گوید:** به شخصی که پیروز شود **منّ مخفی** و **سنگ سفید** داده خواهد شد. غالب شونده در کلیسای پرغامس احتمالاً کسی بود که تعلیمات شریرانه را در کلیسای محلی تحمل نمی‌کرد. ولی مفهوم **منّ مخفی** و **سنگ سفید** چیست؟

منّ نمادی از خودِ مسیح است. شاید اشاره‌ای به غذای آسمانی است که در تضاد با غذاهائی است که به بت‌ها عرضه می‌شد (آیه ١٤). منّ مخفی شاید اشاره به نوعی ارتباط مخفی با خودِ خداوند باشد ـ شناخت او در جلال واقعی‌اش در قالب کسی که قربانی شد. سنگ سفید به طرق مختلفی تفسیر شده است. این عبارت برگرفته شده از «تبرئه» شدن در یک دعوای حقوقی است. سنگ سفید سمبول پیروزی در یک مسابقه قهرمانی بود. کاملاً روشن است که سنگ سفید پاداشی است که توسط خداوند به غالب شنونده داده می‌شود و مبین تایید خداوند از او است. آلفرد می‌گوید که **اسم جدید** اشاره به پذیرفته شدن توسط خدا و عنوانی برای شخص مجلل شده است.

کلیسای پرغامس احتمالاً از نظر تاریخی نمایانگر دورهٔ بعد از کنستانتین می‌باشد، وقتی که کلیسا کاملاً وابسته به حکومت بود. هزاران نفر در آن اوضاع مسیحی اسمی شدند و کلیسا متحمل مراسم بت‌پرستانه در درون خود بود.

ت) نامه به کلیسای طیا تیرا (۲:۱۸ـ۲۹)

۱۸:۲ لقب یا نام طیاتیرا یعنی قربانی همیشگی. در این نامه پسر خدا در قالب کسی که **چشمانی چون شعله آتش** و **پای‌های او چون برنج صیقلی** شده است، دیده می‌شود. **چشمان** نماد دید تیز و رسوخ کننده، و پایها نماد اعلام داوری است.

۱۹:۲ کلیسای طیاتیرا از بسیاری جهات کلیسائی برجسته بود. در این کلیسا اعمال، محبت، خدمت، ایمان و صبر بیش از پیش بود. در واقع اعمال کلیسا نسبت به گذشته‌اش افزونی یافته بود.

۲:۲۰ ولی در نتیجهٔ **زنا** و **بت‌پرستی**، فرایض ناپاک وارد کلیسا شده و اعمال می‌شد. کلیسای طیاتیرا به زنی که ایزابل نام داشت و ادعای نبوّت می‌کرد اجازه داده بود که خادمان خدا را به سوی گناه هدایت کند و درست مانند ایزابل در عهد عتیق مردم را با زن بارگی و بت‌پرستی فاسد کرده بود. چون این زن تعلیم می‌داد که مسیحیان می‌توانند بدون اینکه مرتکب گناه شده باشند، چنین اعمالی انجام دهند. شاید او ایمانداران را تشویق می‌کرد تا به امور تجارتی بپردازند، حتی گرچه اشتغال به امور تجارتی منجر به تجلیل خدایان نرینه و مادینه و شراکت در جشن‌هائی بود که مردم به **خوردن قربانی‌های بت‌ها** مشغول می‌شدند. او بدون شک چنین سازشی را با امور دنیائی با این زمینه که موجب پیشرفت کلیسا می‌شود، مجاز می‌دانست.

۲:۲۱–۲۳ چونکه ایزابل توبه ننمود، خدا بر آن شد او را بر **بستر بیماری** بیافکند و **آنانی را که** با او مرتکب زنا شده بودند به **سختی مبتلا** کند، مگر اینکه او را رها کرده و از **اعمال** او دوری کنند. آنگاه **همهٔ کلیساها خواهند دانست** که خداوند ناظر است و انسان را بر حسب اعمالش پاداش می‌دهد. شاید احتمالاً یک به اصطلاح نبیه‌ای به نام ایزابل در طیاتیرا بوده است. ولی شاگردان کتاب مقدس در اینجا شاهد اشاره به ظهور کلیسائی دروغین می‌باشد که شروع به پرستش بت‌ها، افراط‌کاری، و ترویج گناهان توسط کاهنان، نموده است.

۲:۲٤–۲۵ در طیاتیرا کسانی بودند که هنوز وفادار باقی مانده بودند (باقی‌ماندگان... کسانی که پیرو عقاید ایزابل نشدند)، کسانی که وارد عقاید مرموز و تشریفات دینی ایزابل نشده بودند. بر این افراد که **عمق‌های شیطان را نفهمیده‌اند**، دیگر **بار مسئولیتی بر ایشان نهاده نخواهد شد**، جز اینکه تا آمدن مسیح به آنچه که دارند قناعت کنند.

۲:۲٦–۲۸ شخص غالب در طیاتیرا ایمانداری واقعی بود که به طور ثابت قدم **اعمال** خالص مسیحیت را انجام می‌داد و پاداش این شخص حکومت با مسیح در هزار سال بود. او **بر امت‌ها** اعمال قدرت کرده و با **عصای آهنین** حکومت می‌کرد. تمامی گناهان و عصیان‌ها فوراً و باجدیت می‌باید مجازات می‌شد. خداوند قول داد که به غالب شنوندهٔ **ستارهٔصبح** را خواهد داد. عیسای خداوند ستارهٔ درخشان صبح است (۱٦:۲۲)، همانطوریکه **ستارهٔصبح** قبل از طلوع خورشید در آسمان ظاهر می‌شود، مسیح هم مانند ستاره صبح ظهور خواهد کرد تا کلیسای خود را به آسمان برباید (اول تسالونیکیان ٤:۱۳ـ۱۸ و متی ٤:۲). یعنی که به شخص غالب وعده داده شده که شامل کسانی است که ربوده می‌شوند. او چنین مزیتی را از طریق اعمال خود به دست نمی‌آورد، بلکه اعمال او نشان‌دهندهٔ واقعیت ایمان اوست. چونکه او خالصاً تبدیل شده است، به او **ستارهٔ صبح** داده خواهد شد.

۲:۲۹ در این نامه و سه نامهٔ بعد اصل «آنکه گوش شنوا دارد بشنود...» پیش آگاهی و عده‌ای به غالب شونده است. و شاید اشارهای باشد مبنی بر اینکه تنها از کسانی که غالب می‌آیند شنیدن **آنچه که روح به کلیساها می‌گوید**، مورد انتظار است.

ث) نامه به کلیسای ساردس (۳:۱–٦)

۳:۱ ساردس یعنی کسانی که می‌گریزند یا اصلاح می‌شوند. خداوند خود را در قالب کسی که **هفت روح خدا**

و هفت ستاره را دارد معرفی می‌کند. او با قدرت روح‌القدس بر کلیسا و مبشرین کنترل دارد. ساردس از نظر اعتقادی یک کلیسای مرده بود. این کلیسا مشهور به مجمع مسیحیان بود، ولی بیشتر اوقات تشریفاتی عمل می‌کرد. این کلیسا سرشار از زندگی روحانی نبود و در امور مافوق طبیعی درخششی نداشت.

۳:۲-۳ خدا کلیسای ساردس را به شوقی تازه و تلاشی تازه در استواری در آنچه که باقی مانده است، دعوت می‌کند، چون آنچه که موجود بود، نزدیک به فنا بود. مردم برنامه‌هائی را برای پیشرفت امور خدائی شروع کرده بودند، ولی هرگز کار خود را کامل نکردند. مسیح به آنها اخطار نمود تا در ایمان استوار باشند و از زندگی مردهٔ خود توبه کنند. اگر در خواب باشند و بیدار نشوند خداوند به طور غیرمنتظره خواهد آمد و آنها را مجازات خواهد نمود.

۳:٤ افراد چندی در ساردس بودند که شهادت مسیحی خود را از دست نداده بودند. این ایمانداران که **لباس خود را** با گرایش‌های دنیایی نجس **نساخته بودند**، در **لباس سفید** با مسیح **خواهند خرامید**.

۳:۵ آنها غالب شنوندگان‌اند که اعمال عادلانه‌شان نشانهٔ ایمان آنهاست. **جامهٔ سفید** آنها حاکی از صداقت در زندگی آنهاست، چونکه آنها مسیحیت واقعی را نشان می‌دهند، نامشان در **دفتر حیات** محو نخواهد شد.

برخی فکر می‌کنند که **دفتر حیات** شامل تمام انسان‌هائی است که زنده می‌باشند. بر اساس این دیدگاه، کسانی که با زندگی خود نشان می‌دهند که واقعاً از سر نو تولد یافته‌اند، نامشان از دفتر حیات پاک نخواهد شد، ولی نام بقیه محو خواهد شد.

برخی دیگر دفتر حیات را در قالب کتابی برای ثبت‌نام کسانی که دارای زندگی روحانی هستند، می‌دانند. به آنها وعده داده شده که نام‌هایشان از این دفتر (که قبلاً ثبت شده است) پاک نخواهد شد، یعنی آنها هیچگاه نجات خود را از دست نخواهند داد. بر اساس این دیدگاه، این واقعیت که بعضی نامها از دفتر پاک نخواهد شد، الزاماً بدین معنی نیست که نام دیگران پاک خواهد شد.

بدلیل آموزش مستمر کتاب مقدس مبنی بر اینکه نجات توسط فیض به دست می‌آید، نه با اعمال و به دلیل بیانات روشن مبنی بر اینکه ایماندار واقعی دارای امنیت ابدی است (یوحنا ۳:۱٦، ۵:۲٤، ۱۰:۲۷ـ۲۹)، آیه پنجم نمی‌تواند مبین امکان از دست رفتن فرزندان خدا باشد.

خداوند ما در وعدهٔ دیگر افزوده است که او بنام کسانی که غالب آمده‌اند، در **حضور** پدرش و **فرشتگان** آسمان، **اقرار خواهد نمود**.

۳:٦ بار دیگر هشداری داده شده بر علیه اعتراف مذهبی، بدون اینکه شخص تولد تازه یافته باشد.

کلیسای ساردس معمولاً به عنوان تصویری از دورهٔ پس از اصلاحات است ـ هنگامی که کلیسا مقرراتی، تشریفاتی، دنیائی و سیاسی می‌شود. کلیساهای پروتستان اروپا و مستعمرات آمریکا در این وضعیت بودند.

ج) نامه به کلیسای فیلادلفیا (۳:۷ـ۱۳)

۳:۷ فیلادلفیا، یعنی محبت برادرانه. خداوند به صورت کسی که **قدوس** است، کسی که **حق** است، کسی که

کلید داود را دارد، کسی که **می‌گشاید و هیچ کس نخواهد بست** و کسی که **می‌بندد و هیچ کس نخواهد گشود،** ظاهر می‌شود.

به کلامی دیگر، کسی که دارای قدرت اجرائی و کنترل غیرقابل اعتراض می‌باشد:

درِ بازی را که معبد یهود و فرق ملحد قادر به بستن آن نخواهد بود، فرصت طلائی بشارت به مسیح است به تمام کسانی که گوش شنوا دارند. کلید، اشاره‌ای به قدرت مطلق خدا در گشودن درها و بستن دهان‌ها، در عهد عتیق می‌باشد (ر.ک اشعیاء ۲۲:۲۲)

۸:۳ کلیسای فیلادلفیا، تنها کلیسائی است که مورد تقدیر خداوند قرار گرفت. مقدسین کلیسا وفادار بودند. آنها در **اعمال** نیک، غیور بودند. آنها در عین حال که دچار ضعف‌های انسانی بودند به خداوند متوکل بودند. در نتیجه توانستند با نحوهٔ زندگی خود حقیقت را حفظ کنند. آنها **نام** مسیح را **انکار** نکرده بودند. بنابراین خداوند **دری گشاده** از فرصت‌ها که **هیچ کس** قادر به **بستن** آن نبود، پیش‌روی آنها نهاد.

۹:۳ آنهائی که خود را **یهودی** می‌نامیدند و به سختی با مقدسین کلیسا مخالفت می‌کردند، سرانجام در مقابل این ایمانداران فروتن خواهند شد. آنهائی که ادعا می‌کردند برگزیده خدا هستند، گرچه عملاً **از کنیسهٔ شیطان** بودند، سرانجام مجبور خواهند شد که اقرار نمایند که مسیحیان حقیر شده عملاً گلهٔ برگزیده خدا می‌باشند.

۱۰:۳ چونکه اعضای کلیسای فیلادلفیا با مسیح گونه زیستن در نزد دیگران واقعیت خدا را حفظ نموده بودند، خداوند آنها را از **ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمد، محفوظ** نمود. این وعده‌ای است مبنی بر مستثنی بودن از دورهٔ عذاب مذکور در بابهای ٦ـ١٩ توجه داشته باشید که آنها **از ساعت امتحان،** که شامل دورهٔ عذاب است، مستثنی خواهند بود.

«**تمامی ربع مسکون زمین**» یک عبارت فنی است، یعنی کسانی که این زمین را خانهٔ خود نموده‌اند: «اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانی است» (مزامیر ١٧:١٤).

۱۱:۳ مسیح به عنوان انگیزه‌ای برای پایداری مقدسین، خواهد آمد. مقدسین نباید اجازه دهند که کسی **تاج** افتخارشان را برباید ـ تاجی که به زودی به آن دست خواهند یافت.

۱۲:۳ شخص غالب آمده یا پیروز تبدیل به ستونی در هیکل خدا خواهد شد. هر مفهوم دیگری که بر این عبارت متصوّر باشد، قطعاً مفهوم قدرت، افتخار و امنیت ابدی را می‌رساند. شخص پیروز هیچگاه این جایگاه امن و شاد را ترک نخواهد گفت. شخص غالب توسط خداوند ملقب به سه نام خواهد شد: نام... **خدا،** نام **اورشلیم جدید** که **از آسمان از جانب خدا نازل می‌شود** و **نام جدید** عیسی مسیح خداوند. بنابراین او به عنوان کسی که متعلق به هر سه نام است، تعریف خواهد شد.

۱۳:۳ **آنکه گوش دارد** می‌بایست به این پیام **روح** به **کلیساها** گوش فرا دهد.

کلیسای فیلادلفیه غالباً به عنوان نمونه‌ای از بیداری بزرگ بشارتی در قرن هیجدهم و اوائل قرن نوزدهم، بکار می‌رود ـ احیاء حقایق در رابطه با کلیسا و آمدن مسیح و بشارت جهانی. در حالیکه مسیحیت بشارتی در این دوره به میزان فراوانی احیاء گردید، با این وجود شیطان مصممانه در کار است تا کلیسا را با شریعت گرائی و تشریفات

گرائی و عقل گرائی، مخمّر نماید.

چ) نامه به کلیسای لائودکیه (۳:۱٤-۲۲)

۳:۱٤ کلمه لائودکیه، یعنی مردمی که بر دیگران حکومت می‌کنند. عیسی مسیح خداوند در اینجا از خودش به عنوان **امین، شاهد امین و صدیق، ابتدای خلقت خدا** نام می‌برد. خداوند با عنوان امین، تجسم عدالت و حقیقت است، و کسی که تحقق مواعید خدا را تضمین می‌کند. او بانی خلقت اعم از مادی و روحی می‌باشد. جملهٔ «**ابتدای خلقت خدا**»، بدین معنی نیست که مسیح اولین کسی است که آفریدهٔ شده است، او هرگز آفریده نشده، بلکه بدین معنی است که او تمام پروسه خلقت را شروع نموده است. این عبارت نمی‌گوید که مسیح آغازی داشته است، بلکه او **ابتدا** است. او بانی خلقت خداست. او بر تمام خلقت افضل است.

۳:۱۵-۱۷ کلیسای لائودکیه **نه سرد و نه گرم**، بلکه تهوع آور بود. خداوند ترجیح می‌داد آن کلیسا در بی‌تفاوتی و یا شوق خود، یا کاملاً سرد باشد و یا کاملاً گرم. ولی اینگونه نبود. کلیسا چنان ولرم بود که مردم را فریب داده و فکر می‌کردند که کلیسای خداست و چنان در رابطه با امور خدائی ولرم تنفرانگیزی بود که خدا را دچار تهوع نمود. گذشته از آن، کلسیا دچار تکبر، غفلت، خودکفائی و خودستائی شده بود.

۳:۱۸ خداوند به اعضای کلیسا توصیه نمود که **زر مصفّا به آتش** را **از او بخرند**. شاید مفهوم این عبارت عدالت خدائیست که قابل خرید با پول نیست (اشعیاء ۵۵:۱)، بلکه توسط فیض از طریق ایمان ناب است که **در آتش** آزموده شده و منتهی به تسبیح، جلال و اکرام در ظهور عیسی مسیح می‌شود (اول پطرس ۱:۷).

همچنین خداوند به مردم توصیه نمود تا **رخت سفید** را از او بخرند، که عبارتست از عمل به عدالت در هر روز زندگی. خدا به اعضای کلیسا توصیه نمود چشمان خود را با **سرمه** بیارایند، یعنی بصیرت روحانی را در نور روح‌القدس صاحب شوند. این توصیه بخصوص ستوده می‌باشد، چونکه لائودکیه به عنوان کانون بانکداری، منسوجات و دارو، و مخصوصاً سرمه، مشهور بود.

۳:۱۹ محبت خداوند برای کلیسا در این حقیقت دیده می‌شود که آن را سرزنش و تهذیب می‌کند. اگر خداوند مواظب کلیسا نمی‌بود، زحمت نمی‌کشید. خداوند با احساس لطف پایدار تا آخرین لحظه، این کلیسای اسمی را دعوت می‌کند تا **غیور** باشد و توبه کند.

۳:۲۰ در این آیات پایانی باب، ما شاهد موردی هستیم که اسکوفیلد آن را «جایگاه و دیدگاه مسیح در پایان عصر کلیسا» می‌نامد. اینک مسیح در پشت درگاه کلیسای اعتراف کرده به‌ایمان ایستاده و مؤدبانه بر در می‌کوبد و افراد را (و نه الزاماً جماعت را) دعوت می‌کند کلیسای آلوده به کفر را ترک و به او بپیوندند.

ترنچ در این مورد می‌گوید:

> هر کسی حاکم قلب خودش است؛ قلب هر کسی دژ و سنگر اوست، و همو است که باید قلب خود را بگشاید. او حق انتخاب دارد، این حق ویژه او است که در قلب خود را نگشاید. ولی اگر نگشاید کورکورانه با برکات خود ستیزه می‌کند.

۳:۲۱ شنوندهٔ غالب می‌تواند در **تخت** جلال مسیح سهیم شود و با او هزار سال در روی زمین حکومت کند.

کسانی که مسیح را در حقارتش، در مطرود شدنش و در رنج‌هایش پیروی کنند. در جلال یافتنش نیز او را پیروی می‌کنند.

۲۲:۳ و سپس برای آخرین بار، خداوند به شنونده توصیه می‌کند که صدای **روح** را بشنود.

هر تفسیری که از کتاب مکاشفه داشته باشیم، مورد غیر قابل انکار این است که کلیسای لائودکیه تصویر درخشانی از عصری که ما زندگی می‌کنیم، ارائه داده است ـ زندگی تجمل‌آمیز در اختیار همه قرار دارد در حالیکه جانها از انکار انجیل می‌میرند. مسیحیت بجای اینکه حمل صلیب باشد، پوشیدن تاج است. ما با هیجان به سوی ورزش، سیاست و یا تلویزیون گرایش پیدا می‌کنیم تا به مسیح. شناخت نیاز روحانی اندک است، علاقه به احیاء واقعی کم است. ما بهترین بخش زندگی خود را ـ به دنیای تجارت داده‌ایم، و بخش باقی‌مانده زندگی خود را ـ لحظاتی که ضایع شده‌اند، به نجات‌دهنده. ما بدن‌های خود را که به زودی تبدیل به خاک می‌شوند تغذیه می‌کنیم. ما بجای اینکه ترک کنیم، جمع‌آوری می‌کنیم، و بجای اینکه گنج‌ها را برای خود در آسمان بیندوزیم، در زمین میاندوزیم. دیدگاه کلی این است که «مثل اینکه هیچ چیز برای مردم خدا خوب نیست، اگر من به خودم نرسم کی به من می‌رسد؟ پس بخش عمده وقت خود را به دنیا اختصاص می‌دهم و بخش کوچکی از وقت باقی مانده را به خداوند.» این است شرایط ما در نظر مسیح، وقتی که بازمی‌گردد.

۳. اموری که بعد از این واقع خواهند شد (بابهای ٤-۲۲)

اینک به سومین بحث اصلی مکاشفه رسیده‌ایم. سه باب اول مکاشفه شامل تشریح عصر کلیسا از زمان رسولان تا زمان ربایش بود. با شروع این باب به موضوع «اموری که بعد از این واقع می‌شوند» می‌پردازیم.

یک فاصله قطعی در بین بابهای ۳ و ٤ وجود دارد. از باب ٤ به بعد دیگری ذکری از کلیسا در روی زمین به میان نیامده است. پس چه شده است؟ ما بر این باوریم که در پایان باب ۳، کلیسا توسط خداوند به آسمان برده شده است.

وقتی که مقدسین به آسمان برده شدند. خداوند به قوم اسرائیل خواهد پرداخت. آنگاه دوران عذاب شروع خواهد شد. خداوند در یک دورهٔ هفت ساله با یهودیان در رابطه با انکار نمودن مسیح توسط آنان برخورد خواهد نمود. آنهائی که در دورهٔ عذاب به سوی مسیح بازگردند نجات یافته و وارد ملکوت مجلل خدا بر روی زمین خواهند شد، در حالیکه کسانی که مسیح را انکار کنند، نابود خواهند شد.

بسیاری از یهودیان که هنوز ایمان نیاورده‌اند در ابتدای دورهٔ عذاب به سرزمین اسرائیل بازمی‌گردند (حزقیال ۳٦:۲٤ـ۲۵). قدرت جهانی رم با اسرائیلیان قراردادی منعقد خواهد نمود و آنها را از پرستش معاف خواهد نمود (دانیال ۲۷:۹). در واقع ۳/۵ سال اول دورهٔعذاب دوره‌ای معقول خواهد بود. عیسی مسیح خداوند در متی ۲٤:٤ـ۱٤ به تشریح این سالها پرداخته است.

در نیمه‌های دورهٔ عذاب بتی در معبد اورشلیم قرار خواهد گرفت و همگی انسان‌ها مجبور خواهند شد که آن بت را ستایش کنند، در غیر اینصورت کشته خواهند شد (متی ۱۵:۲٤). این است علامت شروع عذاب بزرگ، زمان

مصیبت یعقوب، دوره‌ای از عذاب که دنیا نظیر آن را هرگز ندیده و نخواهد دید (متی ۲۱:۲٤).

باب ٤ آغاز دورهٔ عذاب را به ما معرفی می‌کند. اولین نیمه در آسمان است ـ آنجائی که رؤیائی از جلال خدا به یوحنا داده می‌شود. خداوند قبل‌ازاینکه انبیا خود را مجازسازد، تا آینده‌را پیشگوئی کنند، بارها رؤیاهائی از جلال خود را به انبیاء خود داده بود (اشعیاء باب ٦ و حزقیال باب ۱). در باب ۱ مکاشفه، یوحنا قبل از اینکه اجازه یابد تاریخ آینده کلیسا را بنویسد، رؤیائی از جلال مسیح دیده بود. اینک قبل از اینکه او خبری از مجازات بی‌ایمانان یهودی و غیریهودی داشته باشد، رؤیائی از خدا می‌بیند.

الف) رؤیای تخت خدا (باب ٤)

۱:٤ **صدائی** که یوحنا را به آسمان می‌خواند، صدای مسیح است. بسیاری از متخصصین کتاب‌مقدس بر این باورند که ورود یوحنا به آسمان تصویری از ربایش کلیسا برای رفتن به خانه خود نزد مسیح است (اول تسالونیکیان ۱۳:٤–۱۸؛ اول قرنتیان ۵۱:۱۵–۵۳). عیسای خداوند یوحنا را فرا می‌خواند تا **اموری را که بعد از این واقع می‌شوند** به او **بنمایاند**. این کلمات مشابه بخش آخر مکاشفه ۱۹:۱ و نقش آن عبارت را به عنوان زمینه این کتاب تائید می‌کند.

۲:٤–۳ یوحنا تحت تسلط **روح‌القدس** وارد طریق مخصوصی می‌شود و **فی‌الفور** خدای ازلی را می‌بیند که بر **تخت** خود با شکوه و اقتدار نشسته است.

عده‌ای **یشم** و **عقیق** را توصیف **تخت** می‌دانند و نه توصیف کسی که **بر تخت نشسته** بود. به هر حال آن سنگ‌های گرانبها ممکن است توصیف خود خداوند باشد. در سینه‌بند کاهن، یشم معرف روبین، نخست زاده یعقوب، و عقیق معرف بنجامین پسر آخرش بود. نام «روبین» یعنی «اینک یک پسر» و نام «بنجامین» یعنی «پسرِ دست راست من.» و الورد این دو سنگ را مانند سایر سنگ‌ها نشانه تمامی فرزندان خدا، و شخصی را که بر تخت نشسته است خدا که در رابطه با قوم یهود است، تفسیر می‌کند.[۱۲]

قوس و قزح و ظاهراً حلقه سبز نورانی مانند **زمرد**، تضمینی است مبنی بر اینکه خدا عهدهای خود را علیرغم داوری آینده، نگه می‌دارد.

٤:٤ ما با اطمینان نمی‌توانیم بگوئیم که **بیست و چهار پیر** چه کسانی هستند، آنها را گاهی فرشتگان و گاهی مردم آمرزیده شده اعم از مردمان عهد عتیق و عهد جدید و گاهی هم تنها مقدسین عهد جدید، انگاشته اند. بر اساس این واقعیت که آنها تاج بر سر دارند و بر تخت نشسته اند، حدس زده می‌شود که مقدسین هستند که داوری شده و پاداش گرفته‌اند.

۵:٤ روشن است که **تخت** در اینجا نماد داوری است، با **برق‌ها و رعدها و صداهای** وحشتناک. **هفت چراغ آتشین** معرف روح القدس در کمال عظمت خود است. فقط یک روح القدس هست، اما هفت، معرف کمال و تمامیّت است.

٦:٤ **دریائی از شیشه مانند بلور**، حاکی از این است که تخت در محلی قرار گرفته است که از امواج خروشان و بی‌امان این جهان، و یا مخالفت شریران که مانند دریای طوفانی اند، در امان می‌باشد.

گرداگرد تخت چهار حیوان بودند که **از پیش و پس به چشمان پر** بودند. این عبارت حاکی از شفافیت، وسعت و عمق رویاست.

٧:٤–٨ تشخیص چهار **حیوان** مشکل است. آنچه را که مطلقاً می‌توانیم بگوئیم این است که آنها موجوداتی زنده هستند، و چونکه خدا را پرستش می‌کنند. آنها ترکیبی از کروبیان در باب ١٠ کتاب حزقیال و سرافین در باب ٦ صحیفه اشعیا نبی می‌باشند. آیه ٧؛ تشریح کروبیان و آیه ٨ تصویری از سرافین است. این موجودات فرشته‌ای محافظان تخت خدا می‌باشند. به نظر می‌رسد که کروبیان مرتبط با مجازات در آتش و سرافین مرتبط با تطهیر باشند.

توصیف آیه هفتم معادل است با آنچه که مسیح در اناجیل عرضه داشت:

شیر ـ متی ـ پادشاه؛

گوساله یا گاو ـ مرقس ـ خادم؛

انسان ـ لوقا ـ پسر انسان؛

عقاب ـ یوحنا ـ پسر خدا.

حیوانات مذکور بی‌وقفه قداست خدای قادر مطلق را می‌سرایند. در بیشتر نسخ خطی کلمهٔ **قدوس** نه بار تکرار شده است و این تاکیدی قاطع بر تثلیث است.

٩:٤–١٠ هرگاه **آن حیوانات**، **تخت نشین** را ستایش می‌کنند... آن **بیست و چهار** پیر خود را به خاک می‌اندازند، و خدای ازلی و ابدی را **عبادت** می‌کنند، و **تاج‌های خود را پیش تخت** می‌اندازند.

١١:٤ آنان در عبادت و ستایش خود، **خداوند** را به عنوان کسی که **مستحق جلال** و **اکرام** و **قدرت** است، اعلام می‌دارند، چونکه او **همهٔ موجودات** را **محض ارادهٔ خود** آفریده است.

این رؤیا ذهن ما را برای آنچه در پی است آماده می‌سازد. خدا خالق موجودات قادر مطلق کائنات، بر تخت جلال خود نشسته است و توسط موجودات ستایشگر احاطه شده و بر آنست که داوری را بر زمین اعمال نماید.

ب) برّه و هفت تومار (باب ٥)

١:٥ در اینجا خدا با **کتابی** در دست که با **هفت مهر** بسته شده، دیده می‌شود. کتاب حاوی گزارش داوری است که می‌بایست در استقرار ملکوت عیسی مسیح خداوند، واقع شود.

٢:٥–٣ **فرشته‌ای قوی** در جستجوی کسی است مستحق گشودن کتاب و برداشتن مهرهایش باشد. ولی هیچ کس نه در آسمان، و نه در زمین و نه در زیرزمین پیدا نمی‌شود که شایستگی برداشتن مهر و خواندن کتاب را داشته باشد. نه فرشته، نه انسان، نه اهریمن، هیچ کدام آن حکمت و شناخت لازم برای اجرای داوری را ندارند.

٤:٥ وقتی دیده می‌شود که **هیچ کسی شایسته گشودن کتاب نیست،** یوحنا شدیداً می‌گرید. آیا این بدین معنی است که امور غلط بر روی زمین ادامه خواهند داشت، و یا اینکه درستکاران هرگز حمایت نخواهند شد و خطاکاران بی‌مجازات می‌مانند؟ آیا این بدین معنی است که ملکوت خدا به دلیل بی‌نتیجه بودن پاک‌سازی زمین نخواهد آمد؟

٥:٥ **یکی از آن پیران،** یوحنا را با اخباری شاد تسلی می‌دهد، مبنی بر اینکه **آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داود است** (خالق و نیا)، شایستگی گشودن کتاب و هفت مهر را دارد و هموست که داوری را اجرا خواهد نمود. عیسی شایستگی آن را دارد که با حکمت نامحدودش، با فتوای خدائیش (یوحنا ٢٢:٥ــ٢٧)، با شخصیت متعالش و با کار خود بر جلجتا، داور باشد.

در کتاب مکاشفه خداوند ما در قالب برّه و شیر معرفی شده است. او به عنوان برّه خدا کسی است که قربانی شد، و گناهان جهان را بر خود گرفت. او به عنوان شیر، داور است و دشمنان خود را مجازات می‌کند او در ظهور اول خود یک برّه بود و در رجعت دوم خود یک شیر خواهد بود.

٦:٥ وقتی که یوحنا نگاه می‌کرد، دید که **تخت** توسط **چهار حیوان** و **پیران** احاطه شده است. و در **وسط، برّه‌ای چون ذبح شده ایستاده است** آن برّه دارای **هفت شاخ** (قادر مطلق) و **هفت چشم** (دانای مطلق) بود. در دست داشتن **هفت روح خدا** توسط خداوند، عیسی مسیح خداوند را برای ما تداعی می‌کند که از روح پُر بود (یوحنا ٢٤:٣). **هفت روح خدا که بر تمامی جهان فرستاده می‌شوند،** مبنی بر حضور همه جانبه خداوند در آن واحد در همه جا است.

٧:٥–٨ به محض اینکه **برّه کتاب را از دست راست** خدای پدر گرفت، آن **چهار حیوان** و **پیران** در حضور برّه بخاک افتادند. هر یک از ایشان دارای **بربطی و کاسه‌ای از زرین پر از بخور بودند،** که نشانهٔ **دعای مقدسین** و احتمالاً دعای شهیدان به حضور خدا است تا انتقام خون آنها را بگیرد (١٠:٦).....

٩:٥–١٠ آن چهار حیوان در **سرود جدید**شان، اعلام نمودند که برّه به خاطر کار نجات‌بخشش روی صلیب مستحق داور شدن است. سوالی در اینجاست مبنی بر اینکه آنها خود را شامل آمرزیده شدگان می‌دانستند؟ («**و ما را برای خدا**») و یا اینکه بر طبق ترجمه دیگری اینچنین باید خوانده شود: «و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی[١٣]»

فراتر از آمرزش، خداوند ایمانداران را **پادشاهان و کهنه** ساخته است، تا او را ستایش کنند و شاهدان او باشند و با او برای هزار سال **بر زمین سلطنت کنند.**

١١:٥ سرایندگان **فرشتگان بسیار** بودند که **گرداگرد تخت** و **حیوان** و **پیران بودند.** سرایندگان بالغ بر میلیون‌ها و شاید میلیاردها بودند، که همگی در یک نظم کامل خدا را می‌سرودند.

١٢:٥ سرود ستایش آنها، سرودی است که ایمانداران باید سر دهند: «**مستحق است برّه ذبح شده بیابد:**

قوّت – بر زندگی من، بر کلیسا، بر دنیا، بر کائنات؛

دولت – همهٔ نقره‌ها و طلاهای من؛

حکمت – زیباترین در ذهن من؛

توانائی – قدرت جسمانی من برای خدمت او؛

اکرام – اشتیاق ناب برای عظمت بخشیدن به او در تمام راههای من،

جلال – سراسر زندگانی من به جلال دادن به او تخصیص یافته است؛

برکت –تمام توانائی من برای ستایش او.

۱۳:۵ اینک موسیقی در آسمان کوک می‌شود و در یک نظم عمیق و کامل می‌سراید: **هر مخلوقی... در آسمان و بر زمین و در دریا**، به جمع پیوسته و می‌سرایند: «**تخت نشین و برّه را برکت و تکریم و جلال و توانائی باد تا ابدالاباد.**»

این آیه معادل است با رساله به فیلپیان ۲:۱۰و۱۱ که می‌گوید «هر زانوئی به نام عیسی خم خواهد شد و هر زبانی به خداوندی او اقرار خواهد نمود». در اینجا اشاره به زمان خاصی نشده است، ولی بدیهی است این واقعه بعد از اینکه نجات یافتگان برای زندگی جاوید برمی‌خیزند و سپس بعد از رستاخیز نجات نیافتگان برای مجازات ابدی، اتفاق خواهد افتاد. ایمانداران از پیش می‌دانستند که عیسی خداوند است؛ بی‌ایمانان آنگاه مجبور خواهند شد او را جلال دهند. تجلیل جهانی پدر و پسر یک حقیقت قطعی است.

۱٤:۵ سرانجام اینکه **چهار حیوان «آمین» می‌گویند** و **پیران** سجده می‌کنند و **خدای تخت نشین** را که تا ابدالابد زنده است، عبادت می‌نمایند.

ج) گشودن شش مُهر (باب ٦)

۱:٦–۲ وقتی **برّه** مهر اول را **گشود، یکی از آن چهار حیوان** با غرشی بلند گفت: «**بیا و ببین**»[۱۵] و ناگهان یک نفر سوار که احتمالاً «ضد مسیح» است، و **کمانی** در دست دارد، **بر اسبی سفید... و غلبه کننده و تا غلبه نماید،** ظاهر می‌شود. این شاید معرف آنچه باشد که امروز آن را «جنگ سرد» می‌نامیم. **کمان** نشانه تهدید به جنگ است، ولی خبری از تیر نیست. شاید حتی جنگ موشکی مورد نظر باشد، چونکه کمان اسلحه‌ای است برای جنگیدن از دور. این سوار عملاً علت جنگ نیست. تا گشوده شدن مهر دوم که صلح از زمین برداشته می‌شود، از جنگ خبری نیست.

۳:٦–٤ **حیوان دوم**، دوّمین سوار را فرا می‌خواند. سوار دوم **شمشیر بزرگی** با خود دارد و سوار بر **اسبی آتش‌گون** (سرخ فام) است. شمشیر سلاحی است که برای جنگ تن به تن بکار می‌رود. از این رو مهر دوم ارتش‌های جهان را در جنگی تن به تن و خونین تداعی می‌کند. سوار دوم سلامتی (صلح) را از زمین بر می‌دارد.

۵:٦–٦ در پاسخ به دعوت **حیوان سوم**، سواری که **ترازوئی** در دست دارد، سوار بر **اسبی سیاه** وارد می‌شود. این معرف قحطی است که معمولاً پی آمد جنگ می‌باشد. **آوازی** که از بین **چهار حیوان** برخاست، اعلام نمود که

گندم و **جو**، با بهائی که هیچ کس قادر به خرید آن نیست فروخته می‌شود. ترازو وسیله‌ای است که برای توزین حبوبات جیره‌بندی شده بکار می‌رفت و در اینجا نماد قحطی است. معنی جملهٔ «**به روغن و شراب ضرر مرسان**» مشکل است. برخی می‌گویند که روغن و شراب غذای فقرا بوده است. اگر روغن و شراب اقلام اصلی غذائی بودند پس لازم بود از آنها حفاظت می‌شد تا مردم زنده می‌ماندند. بیشتر به نظر می‌آید منظور از روغن و شراب، اقلام غذائی تجملی باشد و توانگران در اینجا مورد نظر است: با توجه به تاریخ، افراد توانگر حتی در قحطی هم به تجملات دسترسی داشته‌اند.

۶:۷–۸ **حیوان چهارم، اسبی زرد** را فرا می‌خواند که راکب او **موت و عالم اموات** است. **موت** مربوط به جسم و **عالم اموات** و مربوط جان و روح است. در اثر جنگ قحطی ها، طاعون و **وحوش، یک ربع (ساکنان)** زمین، نابود می‌شوند. شاید فکر کنیم که آفت‌هائی نظیر طاعون، در اثر اختراع آنتی بیوتیک‌های جدید و داروهای دیگر، تهدیدی محسوب نمی‌شوند. به هر حال امراض کشنده در اثر مرور زمان از بین نرفته اند، بلکه در دورهٔ کمون خود می‌باشند. آنها می‌توانند به سرعت یک هواپیمای جت در سراسر جهان اپیدمی شوند.

۶:۹ اینک ما با اولین شهدای دورهٔ عذاب روبرو می‌شویم (متی ۲۴:۹)، یعنی ایمانداران یهودی که به اقصای جهان رفتند و ملکوت خدا را موعظه کردند و کسانی که **برای شهادتی که داشتند کشته** شدند. **نفوس** آنان در زیر **مذبح** در آسمان قرار دارند.

۶:۱۰ آنها **خداوند** را **صدا** زده و از او می‌خواهند که **انتقام خونشان** را بگیرد. آن چنان که قبلاً گفته شد «**ساکنان زمین**» اشاره به بی‌ایمانانی است که زمین را خانه خود می‌دانند.

۶:۱۱ به شهیدان **جامه سفید داده می‌شود** ـ نمادی از عدالتشان. به آنها گفته می‌شود تا تکمیل نهائی عذاب و تمام شدن تعداد شهدا، صبر کنند.

۶:۱۲و۱۳ با باز شدن مهر ششم، آشوبی در طبیعت ایجاد شد. **زلزله عظیم** زمین و دریا را مرتعش نمود و ستارگان و سیاره‌ها در آسمان دچار بی‌نظمی شدند. **خورشید** تاریک شد و **ماه چون خون گشت. ستارگان مانند درخت انجیر** آنگاه که میوه‌هایش می‌رسند و به شدت تکان می‌خورد تا میوه‌هایش **بر زمین بریزد، بر زمین فرو ریختند.**

۶:۱۴ **آسمان در هم پیچید**، گوئی توماری در هم می‌پیچد.

هر کوه و جزیره‌ای در اثر این آشوب و انقلاب عظیم از جای کنده شد.

۶:۱۵ تعجب آور نیست که هر طبقه‌ای و هر اجتماعی دچار ترس و وحشت شده باشند. آنها از ترس جاری شدن خشم خدا، **خود را در مغاره‌ها و صخره‌های کوه‌ها پنهان کردند.**

۶:۱۶و۱۷ آنها ترجیح دادند در زیر **کوه‌ها و صخره‌ها** نابود شوند تا اینکه متحمل داوری خدا و **غضب برّه** بشوند. آنها خیلی دیر به این نتیجه رسیدند که هیچ کس قادر به ایستادن در مقابل خشم برّه نیست.

د. نجات در عذاب بزرگ (باب ۷)

باب ۷ کتاب مکاشفه در بین مهر ششم و هفتم قرار دارد و دو گروه مهم از ایمانداران را به ما نشان می‌دهد. این باب پاسخ سوالات مطرح شده در پایان باب ٦ را می‌دهد: «**کیست که می‌تواند ایستاد؟**» این افراد در این باب کسانی توصیف شده‌اند که در صحنه باقی می‌مانند و کسانی که برگزیده شده‌اند تا همراه با مسیح وارد دورهٔ هزار ساله شوند.

۱:۷ـ٤ رویای **چهار فرشته ـ ایستاده بر چهار گوشهٔ زمین** و **بازداشتن بادها**، بدین معنی است که طوفان بزرگ جهانی در راه است.

به هر حال، به فرشته‌ها فرمان داده شده از بروز این فاجعه تا زمان مهر زدن به پیشانی **بندگان خدا**، جلوگیری کنند. دوازده هزار نفر از هر **قبیله اسرائیل** مهر می‌شوند.

۵:۷ـ۸ تعداد ۱٤٤۰۰۰ نفر، قطعاً ایمانداران یهودی هستند و نه اعضاء پاره‌ای از فرق غیریهودی قرن بیستم. این مقدسین یهودی در اولین وحلهٔ دورهٔ عذاب نجات یافته‌اند. مهری که بر پیشانی دارند آنها را به عنوان متعلقین به خدا مشخص کرده است و تضمینی است مبنی بر اینکه آنها در هفت سال اول دورهٔ عذاب، مصون خواهند ماند.

در این لیست از دو قبیله افرایم و دان نامی برده نشده است. شاید آنها به دلیل اینکه رهبران بت پرستی بوده اند، حذف شده‌اند. عده‌ای فکر می‌کنند که «ضد مسیح» از قبیله دان می‌آید (پیدایش ۱۷:٤۹). قبایل **یوسف** و لاوی شامل این لیست هستند. بدون شک قبیله یوسف جای پسرش افرایم را گرفته است.

۹:۷ مردمی که در این بخش به آنها اشاره شده، مردمی از **هر امت و قبیله و قوم و زبان** می‌باشند. آنها **در پیش تخت در حضور برّه به جامه‌های سفید آراسته** (اعمال عادلانه مقدسین ۸:۱۹)، ایستاده‌اند و در دست خود **شاخه‌های نخل** که نماد پیروزی است، گرفته اند.

۱۰:۷ آنها قوم‌هائی غیریهودی هستند که در طول دورهٔ عذاب بزرگ با ایمان به عیسای خداوند، نجات خواهند یافت. آنها در سرودی که می‌سرایند **نجات** خود را جشن گرفته و نجات خود را منتسب به **خدا** و **برّه** می‌نمایند.

۱۱:۷و۱۲ **فرشتگان... پیران و چهار حیوان** با هم خدا را سجده می‌کنند، هر چند که به قول سراینده: «فرشتگان شادی حاصله از نجات را احساس نمی‌کنند.» ولی آنها هم با خوانندگان سرود همصدا می‌شوند و **برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوت و توانایی** خدا را اعلام می‌نمایند.

۱۳:۷و۱٤ وقتی که **یکی از پیران** از یوحنا می‌پرسد، اشخاصی که ملبّس به **لباس سفید** هستند، کیانند و **از کجا آمده اند** و یوحنا اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، ولی علاقه مند است بفهمد. سپس پیر توضیح می‌دهد که ایشان **کسانی می‌باشند که از عذاب سخت** بیرون آمده‌اند و **لباس خود را به خون برّه شست و شو** کرده‌اند. اف. بی. مایر می‌نویسد: «وقتی ما با یک راز غیرقابل توضیح رودر رو می‌شویم، چقدر تسلی بخش است که در ایمانی کامل بگوئیم، خدایا تو داناترینی.»

۱۵:۷ در این آیه به مکان حضور و خدمت پیران پرداخته شده است. شاگردان کتاب‌مقدس موافق با وجود انبوه قوم‌های غیریهودی در آسمان یا دورهٔ هزار ساله در زمین نیستند. در رابطه با برکات گفته شده، وجود آنها در هر

محل واقعی است. اگر هزاره در مد نظر است، آنگاه تخت خدا و **هیکل او** اشاره به هیکلی است که در طول دوران ملکوت در اورشلیم قرار خواهد گرفت (حزقیال ٤٠ـ٤٤).

توجه داشته باشید به برکاتی که نام برده شده:

نزدیکی کامل. از این جهت [آنها] پیش روی تخت خدایند. خدمت کامل. آنها **شبانه روز** در هیکل خدا، او را خدمت می‌کنند. مشارکت کامل: **آن تخت نشین، خیمه خود را بر ایشان برپا خواد داشت**.

١٦:٧ رضایت کامل: [آنها] دیگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد.

امنیت کامل: **آفتاب و هیچ گرما بر ایشان نخواهد رسید.**

١٧:٧ راهنمائی کامل: **زیرا برّه‌ای که در میان تخت است، شبان ایشان خواهد بود و بر چشمه‌های آب حیات، ایشان را راهنمائی خواهد نمود**. شادی کامل: **خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد.**

هـ مهر هفتم و آغاز هفت کرنا (بابهای ٨ و ٩)

١:٨ بعد از جملهٔ معترضه باب ٧ که توجه ما را معطوف به دو گروه از مقدسین دورهٔ عذاب نمود، اینک به **آخرین** و **هفتمین** مهر می‌پردازیم. این مهر وقتی گشوده می‌شود مدت نیم ساعت آسمان خاموش می‌شود، یک خاموشی هولناک که پیش آگاهی یک داوری بسیار عمیق می‌باشد.

٢:٨ وقتی که مهر هفتم گشوده می‌شود، سخن از یک از داوری خاص به میان نمی‌آید. د استان بلافاصله بعد از مهرها به هفت کرنای داوری می‌پردازد. از اینجا می‌توانیم نتیجه بگیریم که مهر هفتم شامل **هفت کرنا** است.

٣:٨و٤ **فرشته**‌ای که در این آیه آمده است، معمولاً به عنوان عیسای خداوند شناخته می‌شود. عیسی در عهد عتیق فرشته خداوند نامیده شده است (پیدایش ١٣:١٦؛ ١١:٣١ و ١٣؛ داوران ٢٢:٦؛ هوشع ٣:١٢و٤). **دعاهای جمیع مقدسین** از طریق مسیح به پدر می‌رسد (افسسیان ١٨:٢). او بخور بسیار را گرفته تا با **دعاهای مقدسین**، عرضه بدارد. این بخور نماد حضور و کار اوست. وقتی که دعاها به خدای پدر می‌رسد، کاملاً بی‌عیب و موثر می‌باشند.

در این بخش **دعاها** از ناحیه مقدسین دورهٔ عذاب است که از خدا استدعا می‌کنند تا دشمنانشان را مجازات کند.

٥:٨ در پاسخ این دعاها، **فرشته آتش مشتعل مذبح** را بر زمین می‌افکند که موجب **صداهای بلند، رعدها و برق‌ها و زلزله‌ها** می‌گردد.

آن چنان که اچ.بی. سویت گفته است: «دعاهای مقدسین با خشم به زمین برمی‌گردد.»[١٧] از این رو هفت کرنای داوری با اغتشاش در در نظم طبیعت معرفی می‌شود.

٦:٨ اینک به نیمه دوره عذاب رسیده ایم. این کرناهای داوری ما را به زمانی می‌برد که مسیح به زمین بازمی‌گردد و دشمنان خود را نابود می‌کند و ملکوت خود را اعلام می‌کند. چهار داوری نخست بر محیط زیست طبیعی انسان تاثیر می‌گذارد. سه داوری بعدی بر خود انسان تاثیر می‌گذارد. بسیاری از مفسرین متوجه تشابه بین این بلایا و بلایائی که در مصر واقع شدند، گردیده‌اند (خروج ٧ـ١٢).

۷:۸ وقتی که **فرشته اول** کرنای خود را می‌نوازد یک سوم **زمین، درختان** و **گیاهان** در اثر آتشی که با **خون آمیخته** است می‌سوزند. ارجح این است که این تشبیه را منتسب به گیاهانی کنیم که بیشترین بخش غذای انسان را تشکیل می‌دهند.

۸:۸و۹ چیزی **مثل کوهی بزرگ** و شعله ور... به **دریا افکنده** می‌شود و **یک سوم** دریا را تبدیل به خون می‌کند و **یک سوم** موجودات دریائی را نابود می‌کند، و **یک سوم** کشتی‌ها شکسته می‌شوند. در این مرحله نه تنها منابع غذائی انسان کاهش می‌یابد، بلکه وسائل تهیه غذا از مکان‌های دور هم ویران می‌شوند.

۱۰:۸و۱۱ شیپور سوم سقوط **ستاره‌ای** فروزان به نام افسنتین را اعلام می‌دارد، و این سقوط موجب **تلخ** شدن **یک سوم** منابع **آبی** می‌گردد. ظاهراً آب **تلخ** مسموم هم می‌باشد، از آنجا که **مردمان بسیار** وقتی از آن می‌نوشتند، می‌میرند. توصیف افسنتین مشکل است. وقتی که کرناها نواخته می‌شوند، صدایشان برای ساکنان زمین کاملاً آشکار خواهد بود. در مطالعه موضوع نبوت بهتر است به خاطر داشته باشیم که بسیاری چیزها هستند که تا واقع نشوند، آشکار نمی‌شوند.

۱۲:۸ با نواختن فرشته چهارم بنظر می‌رسد که **آفتاب... ماه** و **ستارگان** چنان صدمه می‌بینند که فقط دو سوم نور معمولی آنها به زمین می‌رسد. کرنای چهارم مشابه بلای تاریکی در مصر است.

۱۳:۸ یک عقاب در وسط آسمان ظاهر می‌شود و **وای** سه گانه را به **ساکنان زمین** اعلام می‌کند، یعنی کسانی که دیدگاهشان دنیائی است، کسانی که در خانهٔ زمینی هستند، کسانی که ایماندار واقعی نیستند. سه داوری باقی مانده، نیز به خاطر اثرات ترسناکشان بر روی انسان، سه «وای» شناخته می‌شوند.

۱:۹و۲ **ستاره‌ای که بر زمین** می‌افتد، ممکن است فرشته ساقط شده و یا حتی خود شیطان باشد. او دارای **کلید چاه هاویه** (در یونانی abyss) است. هاویه محل استقرار دیوان است. وقتی که او چاه هاویه را باز می‌کند، **دود** عظیمی چون **تنور** از چاه بیرون می‌جهد و صحنه را در تاریکی غرق می‌سازد.

۳:۹و٤ از میان دودها ناگهان **ملخ‌ها** ظاهر می‌شوند، ملخ‌هائی که نیش آنها چون نیش عقرب است. ولی قدرت آنها محدود است. آنها از **ضرر** رسانیدن به گیاهان منع شده‌اند. قربانیان آنها کسانی هستند که **مهر خدا را به پیشانی خود ندارند**، یعنی تمام بی‌ایمانان.

۵:۹و٦ گرچه نیش این ملخ‌ها کشنده نیست ولی ضربه نیش آنها به منزلهٔ **عذابی** است که **پنج ماه** ادامه دارد. این درد به قدری شدید است که مردم آرزوی **موت** می‌کنند تا خلاص شوند، ولی نمی‌توانند. این ملخ‌ها احتمالاً نماد شیاطینی هستند که وقتی از هاویه رها می‌شوند مردان و زنان نجات نیافته را در اختیار می‌گیرند. این دیوها آن چنان که در مورد لجئون در مرقس ۵:۱ـ۲۰ می‌خوانیم، موجب دردها و شکنجه‌های شدید جسمی و روحی می‌شوند.

۷:۹ توصیف **ملخ‌ها** آنچنان است که جلوه‌ای از فتح و پیروزی را نشان می‌دهد: **چون اسب‌های آراسته شده برای جنگ**، لشکریانی فاتح می‌باشند. آنها ملبس به **تاج‌هائی شبیه طلا** و مجاز می‌باشند تا بر زندگی انسان تسلط

داشته باشند. آنها با صورتی **شبیه صورت انسان**، موجوداتی هوشمند می‌باشند.

۸:۹ـ۱۰ آنها با موهائی **چون موی زنان**، جذاب و فریبنده می‌باشند. با دندان‌هائی **مانند دندان شیران**، وحشی و بی‌رحم می‌باشند. با سلاح‌هائی **چون جوشن‌های آهنین** در مقابل هرگونه حمله‌ای ایمن و هلاکت ناپذیرند. با **بال‌هائی** که صدائی بزرگی تولید می‌کنند، ترسناک و تخریب کننده اعصاب می‌باشند. **دمهای چون عقربشان**، آنها را مجهز می‌کند شکنجه‌ای جسمانی و روحانی به قربانیان خود تحمیل نمایند. قدرت نهفته در دم آنها که **مدت پنج ماه مردم را اذیت می‌کند**، به مفهوم عذابی تسکین نیافتنی است.

۱۱:۹ ملخ‌ها **برخود پادشاهی داشتندکه ملک الهاویه است که در عبرانی به ابدون (ویرانی) مسمی است و در یونانی او را اپلیون (ویرانگر) خوانند.**

چنین صفت‌های عموماً اشاره به شیطان است.

۱۲:۹ اولین «وای» از سه «وای» **گذشته است.** هنوز بدترین‌ها در پیش است. شدت مجازات افزوده می‌شود.

۱۳:۹ـ۱۵ با عبارت **مذبح طلائی که در حضور خداست**، مجازات‌های بعد در مورد دشمنان خدا اعمال می‌شود. با کرنای ششم **چهار فرشته که بر نهر عظیم فرات بسته شده اند، خلاص** می‌شوند. این چهار فرشته و شاید هم دیو دقیقاً برای این لحظه در حالت آماده باش بوده‌اند، تارها شده و **ثلث مردم را بکشند.**

۱٦:۹و۱۷ تعداد سواران دومیلیون[۱۹] نفر است که بر اسبانی با **جوشن‌های آتشین و آسمانجوئی و کبریتی** سوار هستند. **سرهای اسبان** مانند شیران است و از دهانشان **آتش و دود** بیرون می‌آید.

۱۸:۹و۱۹ این سه بلا: **آتش، دود و کبریت** معرف سه بلا است که موجب هلاکت **ثلث مردم** می‌شود. اسبان نه تنها با **دهان خود**، بلکه با **دم** مارگونه خود، مردم را می‌کشند.

در این بخش بسیاری سوالات بی‌جواب وجود دارند. آیا چهار فرشته در آیه ۱٤ همان فرشته‌های آیه ۱۷ هستند؟ آیا سواران، انسان‌های واقعی هستند و یا معرف دیوان یا امراض و یا سایر نیروهای مخرب می‌باشند؟ سه بلائی که توسط **آتش** و **دود** و **کبریت** به تصویر کشیده شده‌اند، چه می‌باشند؟

چه خوب است توجه داشته باشیم که مرگ را اسبان می‌آورند، نه سواران، نویسنده‌ای حدس می‌زند که شاید ارتش سواران، سمبولیکی است: «پاره‌ای از پندارها در مورد شیطان که از مشرق آمده است.»ها میلتون اسمیت می‌گوید:

عبارت «قدرت آنها در دهانشان است» شاید اشاره به این تصور است که شیوائی کلام آنها مجاب کننده است. ولی در ورای این پندار، قدرت شیطان نهفته است، که توسط دم‌هایشان که شبیه مار است، نماد پردازی شده است[۲۰]

۲۰:۹و۲۱ گرچه $\frac{2}{3}$ انسان‌ها **به این بلایا کشته** نمی‌شوند، ولی **توبه نمی‌کنند**، بلکه به **عبادت دیوها و بت‌ها** که بی‌جان و ناتوان می‌باشند، ادامه می‌دهند. آنها از **قتل‌ها** و **جادوگری‌ها** (در رابطه با داروها) و **زنا** و **دزدی**، خود برنمی‌گردند. مجازات و رنج‌ها نمی‌توانند شخصیت یک گناهکار را عوض کنند، تنها تولد تازه می‌تواند چنین کند.

و. فرشته زور آورد و کتابچه (بابهای ۱۰ و ۱۱)

۱:۱۰ اینک یوحنا **فرشته زورآور دیگری** را می‌بیند که **از آسمان نازل می‌شود.** اوصاف این فرشته بسیاری را متقاعد نموده است که او عیسای خداوند است. او **قوس و قزحی بر سرش** دارد که نشانه عهد خداست. **چهره‌اش مثل آفتاب**، توصیفی است از جلال آشکار. **پایهایش مثل ستون‌های آتش.** ستون، حاکی از استحکام و آتش حاکی از داوری است.

۲:۱۰ او **کتابچه‌ای** را در دست گرفته است که بدون شک حاوی داوری قریب الوقوع می‌باشد. او **پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر زمین** نهاده است و بدین وسیله حق خود را در سلطنت جهانی، مطالبه می‌کند.

۳:۱۰ـ٦ وقتی که او **به آوازی بلند چون غرش شیر** ندا در داد. **هفت رعد** به صدا در آمدند. ظاهراً یوحنا توانسته است پیام این رعدها را درک کند، ولی وقتی برای نوشتن حاضر می‌شود، فرشته او را منع می‌کند.

سپس فرشته به خدائی که خالق همهٔ کائنات است سوگند می‌خورد که «**بعد از این زمانی دیگر نخواهد بود.**»

۷:۱۰ آنگاه که کرنای هفتم نواخته شود **سرّ خدا به اتمام خواهد رسید.** سرّ خدا در رابطه با نقشه خدا برای مجازات همهٔ بدکاران و اعلام سلطنت پسر اوست.

۸:۱۰و۹ فرشته به یوحنا دستور می‌دهد که **کتابچه** را بخورد، یعنی او می‌بایستی کتابچه را بخواند و بر روی داوری‌ای که در آن مندرج است تفکر کند.

۱۰:۱۰ همانطور که فرشته گفته بود، طعم کتابچه مثل **عسل شیرین**، ولی چون آن را می‌خورد در معده‌اش **تلخ** است. خواندن ارادهٔ خدا مبنی بر جلال یافتن پسرش که زمانی مصلوب شد، برای ایماندار شیرین است. آگاهی از پیروزی خدا بر شیطان و تمام پیروان او، شیرین است. آگاه شدن از زمانی که تمام ناراستی‌های روی زمین درست خواهند شد، شیرین است. ولی تلخ است آنگاه که با نبوت می‌پیوندد، تلخ است وقتی که به خود داوری مندرج در بخش‌های نبوتی کتاب‌مقدس می‌رسیم. منظره مجازاتی که می‌باید به زودی بر یهودیان و مسیحیان مرتد، اعمال شود، تلخ است. اندیشیدن به مجازات ابدی که سرنوشت کسانی است که نجات دهنده را منکر شده‌اند، تلخ است.

۱۱:۱۰ سپس فرشته به یوحنا می‌گوید: «**می‌باید تو اقوام و امت‌ها و زبان‌ها و پادشاهان بسیار را نبوت کنی.**» بابهای باقیمانده کتاب مکاشفه، این فرمان را تکمیل می‌کنند.

ز. دو شاهد (۱۱:۱ـ۱٤)

۱:۱۱و۲ اینک به یوحنا حکم می‌شود تا **قدس** خدا (معبد) و **مذبح** و تعداد پرستش کنندگان را، **پیمایش** نماید. پیمایش در اینجا به نظر می‌رسد که ایده حفاظت را می‌رساند. یوحنا مجاز نبود که **صحن خارجی** قدس را که متعلق به **امت‌ها** است، پیمایش نماید، چونکه این بخش مدت چهل و دو ماه ـ نیمه دوم دورهٔ عذاب (ر.ک لوقا ۲٤:۲۱) توسط ملل غیریهودی **پایمال** می‌شد. **قدس** مذکور در اینجا، معبدی است که در دورهٔ عذاب در اورشلیم برپا خواهد شد. پیمایش تعداد عبادت کنندگان، شاید بدین مفهوم باشد که خدا باقیمانده پرستندگان خود را

محافظت خواهد نمود. **مذبح** مفهومی را می‌رساند که بدان وسیله به خدا خواهند پیوست، یعنی همان کاری که مسیح در جلجتا انجام داد.

۳:۱۱ خدا **دو شاهد** را در نیمه آخر دورهٔ عذاب خواهد برانگیخت. **جامهٔ پلاس** نماد ماتم است. آنها برای گناهان مردم و اعلام خشم آینده خدا، خواهند گریست.

٤:۱۱ این دو شاهد با **دو درخت زیتون** و **دو چراغدان** مقایسه شده‌اند. آنها مانند درخت زیتون، با روح پر می‌باشند (روغن). آنها مانند چراغدان شهادت به حقیقت خدا در روز تاریکی می‌دهند (ر.ک. زکریا ٤:۲ـ۱٤).

۵:۱۱ این شاهدان مدت ۳/۵ سال به طور معجزه آسائی در مقابل هر صدمه‌ای مصون می‌باشند. **آتشی که از دهانشان به در** می‌شود، دشمنانشان را نابود می‌کند و حتّی اگر کسی قصد **اذیت ایشان** را داشته باشد، به مرگ محکوم می‌شود.

٦:۱۱ این شاهدان **قدرت** دارند زمین را دچار خشکسالی نمایند و **آبها** را به خون تبدیل کنند و **جهان را هرگاه بخواهند به انواع بلایا مبتلا سازند.** جای تعجبی نیست، اگر آن دو شاهد، همدستان موسی و الیاس باشند.

قدرت آنها در تبدیل آبها به خون و ابتلای جهان انواع بلایا، ما را به یاد آنچه که موسی در مصر انجام داد، می‌اندازد (خروج ٤:۱۷ـ۲۰؛ ۸:۱ تا ۱۲:۲۹). قدرت آنها بر آتش و آب ما را به یاد الیاس می‌اندازد (اول پادشاهان ۱۷:۱؛ ۱۸:٤۱ـ٤۵؛ دوم پادشاهان ۹:۱ـ۱۲).

مگ کانکی می‌نویسد:

آنها (دو شاهد) به کسانی که برای عبادت در معبد انسان گناهکار ازدحام نموده‌اند هشدار داده و می‌گویند که دورهٔ پیروزیشان کوتاه است.

آنها نسبت به آمدن مسیح برای نابودی شیطان، از خطراتی که نتیجهٔ دورهٔ عذاب است، از لزوم دوری از تجمل و تن‌پروری، از لزوم نترسیدنشان از کسی که می‌تواند جسمشان را نابود کند، و ترسیدن از کسی که قادر به هلاکت جسم و روحشان با هم است، از شکوه و نزدیک بودن زمان آمدن پادشاه و ملکوت او، بعد از یک دورهٔ عذاب کوتاه، از اطمینان در این مورد که اگر با مسیح متحمل رنج شوند، با او پادشاهی خواهند نمود و از صلح ابدی، عدالت و جلالی که نصیب کسی خواهد بود که تا آخر و حتی تا مرز شهید شدن پایدار خواهد بود، به مردم هشدار خواهند داد در واقع شهادتی قوی از کتاب‌مقدس.

۷:۱۱ **و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هاویه می‌آید،** ایشان را **خواهد کشت،** این جانور شبیه جانوری است که در ۸:۱۳ آمده است.

۸:۱۱ **بدن‌های** مرده شاهدان مدت ۳/۵ روز در **شارع عام** اورشلیم، خواهد ماند. در اینجا اورشلیم به خاطر تکبر و افراط کاری، کامیابی‌اش و بی‌تفاوتی‌اش نسبت به نیاز دیگران (ر.ک. حزقیال ٤۹:۱٦)، **مسمی به سدوم** و بدلیل بت‌پرستی، جفا و بردگیش نسبت به گناه و بی‌عدالتی به **مصر مسمی** شده است.

۹:۱۱ **گروهی از اقوام و قبایل،** اجساد آنها را مشاهده خواهند نمود و **اجازه** دفن آنها را نمی‌دهند و این یک اهانت بزرگ تقریباً در تمام فرهنگ‌ها است.

۱۰:۱۱ نظر به اینک این دو نبی کشته شده‌اند، مردم شادی می‌کنند و به یکدیگر هدیه می‌دهند، درست مانند آنچه که امروز مسیحیان در روز کریسمس انجام می‌دهند. بدین ترتیب پیامبران مورد علاقه مردم اینک مرده‌اند.

۱۱:۱۱و۱۲ **بعد از سه و نیم روز،** خدا آنها را در حین بهت و تعجب مردم، زنده می‌کند و سپس در حالی که **دشمنانشان** نگاه می‌کنند، خدا آنها را به آسمان می‌برد.

۱۳:۱۱و۱٤ درست در **همان ساعت،** اورشلیم در **زلزله عظیم** مرتعش می‌شود و **ده یک شهر،** نابود می‌شود و **هفت هزار نفر هلاک** می‌شوند. بقیه مردم که زنده مانده‌اند **خدای آسمان را تمجید** می‌کنند، نه تمجیدی خالص بلکه از روی اکراه و آنهم به دلیل قدرتش. **وای دوم در گذشته است.**

این بدین مفهوم نیست که همه چیز از ۱۳:۹ تا ۱۳:۱۱، شامل وای دوم است. برعکس، بابهای ۱۰ و ۱:۱۱ــ۱۳، جملات معترضه‌ای هستند بین **وای دوم** (کرنای ششم) و **وای سوم** (کرنای هفتم).

ز. کرنای هفتم (۱۵:۱۱ـ۱۹)

با دمیده شدن کرنای هفتم، اعلام می‌شود که: «عذاب بزرگ و حکومت مسیح شروع شده است. سلطنت (های) جهان از آن خداوند ما و مسیح او شده و تا ابدالاباد حکمرانی خواهد کرد.»

۱٦:۱۱و۱۷ سپس **بیست و چهار پیر** به زانو درافتاده و خدا را سجده نموده و از او تشکر می‌نمایند، چونکه او **قدرت عظیم** خود را آشکار و سلطنت خود را برپا نموده است.

۱۸:۱۱ قوم‌های بی‌ایمان بر خدا خشم گرفتند و کوشیدند از تاجگذاری‌اش جلوگیری کنند. ولی اینک زمان آن رسیده است که او نسبت به آنها خشمگین شود و کسانی را که زندگی روحانی نداشته‌اند، داوری نماید و ویران کنندگان را ویران کند. و اینک وقتی برای خداوند است تا به مردم خود اجرت دهد ـ انبیاء و سایرین **چه کوچک و چه بزرگ.**

۱۹:۱۱ خدا **عهد** خود را با مردمش فراموش نکرده است. وقتی که **قدس خدا در آسمان مفتوح** می‌شود و **تابوت عهدنامهٔ** او که نماد تحقق یافتن تمام مواعید او به اسرائیل است، ظاهر می‌شود. و سپس **برق‌ها، صداها و رعدها و زلزله و تگرگ عظیم** حادث می‌شود.

ح. اقلام کلیدی دورهٔ عذاب (بابهای ۱۲ تا ۱۵)

۱:۱۲ علامتی عظیم در آسمان ظاهر می‌شود و آن زنی است **که آفتاب را در بردارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است.** این زن، اسرائیل است، خورشید و ماه و ستارگان تجسم جلال و عظمت قلمروی هستند که در ملکوت آینده به اسرائیل وعده داده شده بود ـ درست مانند خوابی که یوسف دیده بود و نقش‌های او در سلطنت بر پدر، مادر و برادرانش (پیدایش ۹:۳۷ـ۱۱).

۲:۱۲ این زن در عذاب و در انتظار **زائیدن** یک طفل، **فریاد** می‌کشد. بیشتر تاریخ اسرائیل در این آیات به تصویر کشیده شده است، بدون اشاره به فاصله زمانی بین وقایع و یا اینکه وقایع الزاماً در نظم تاریخی باشند.

۳:۱۲ **علامت دیگر در آسمان پدید** می‌آید که آن عبارت از **اژدهائی آتشین** است که **هفت سروده شاخ دارد**

و بر هر سرش تاجی قرار دارد. اژدها، شیطان است، ولی از آنجا که توصیف او معادل است با امپراتوری احیاء شده رُم در ۱:۱۳، ممکن است انرژی شیطان باشد که قدرت جهانی را تقویت می‌کند.

۴:۱۲ و۵ اژدها با ضربهٔ **دمش، ثلث ستارگان آسمان را می‌کشد و آنها را به زمین می‌ریزد،** یک ارجاع احتمالی به جنگ در آسمان که که در نیمه دورهٔ عذاب صورت می‌گیرد و منجر به بیرون افکنده شدن فرشتگان ساقط شده از بهشت به زمین می‌گردد (ر.ک. آیات ۸و۹). اینک اژدها آماده شده تا به محض اینکه نوزاد زن متولد شود، او را **ببلعد** ــ و این تحقق اقدام هرود کبیر امپراتور رُم در رابطه با نابود کردن پادشاه متولد نشدهٔ یهودیان است.

پسر نرینه به روشنی عیسی است که از پیش مقرر شده است تا **همهٔ امت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی** کند. در اینجا تاریخ تولد تا صعود مسیح به آسمان به تصویر کشیده شده است.

۶:۱۲ عصر کنونی کلیسا در بین آیات ۵ و ۶ به تصویر کشیده شده است. در نیمه دورهٔ عذاب بخشی از قوم اسرائیل به عنوان پناهنده به مکان‌های ناشناخته در بیابان (برخی می‌پندارند که آنجا Petra یا اُردن قدیم است) می‌گریزند و مدت ۳/۵ سال در آنجا پنهان می‌شوند.

۷:۱۲ سپس **جنگ در آسمان** در بین **میکائیل و فرشتگانش** از یک سو و **اژدها و فرشتگانش** از سوی دیگر، شروع می‌شود. این جنگ در نیمه دورهٔ عذاب صورت می‌گیرد. میکائیل ملک‌المقرب به طرفداری اسرائیل جنگ خواهد کرد (دانیال ۱:۱۲).

۸:۱۲ و ۹ در این جنگ اژدها چنان مغلوب می‌شود که جایگاه خود را در آسمان از دست می‌دهد. اژدها و حامیانش **بر زمین انداخته** می‌شوند. ولی به هر حال هنوز کار تمام نشده است (ر.ک ۲۰:۱ــ۳و۱۰). به توصیف یوحنا از او توجه کنید: «**آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است**» و کسی که «**تمام ربع مسکون را می‌فریبد.**»

۱۰:۱۲ **خلع** یداز اژدها **با آوازی بلند در آسمان،** مبنی بر اینکه پیروزی خدا و روز پیروزی مردمش فرا رسیده است، اعلام می‌گردد. این مرحله پیشگوئی ملکوت هزارساله است. در این دوره اتفاقی پرشکوه واقع می‌شود و آن به **زیر افکنده** شدن، **مدعی برادران ما است.**

۱۱:۱۲ اعلام وقایع، ادامه می‌یابد ایمانداران جفا کشیده یهودی توسط **خون برّه** و **کلام شهادت،** بر شیطان **غالب** می‌آیند. پیروزی آنها بر مبنای مرگ مسیح و شهادت خودشان به ارزش آن مرگ قرار دارد. آنها در وفاداری به مسیح شهادت خود را با خون خود مهر می‌کنند.

۱۲:۱۲و۱۳ دیگر **آسمانها** با رفتن اژدها می‌توانند **شادی** کنند، ولی رفتن اژدها از آسمان خبر ناگواری برای **زمین و دریا** است. **ابلیس می‌داند** که **وقت او کم** است و مصمم است که خشم خود را تا آنجا که مقدور است بر زمین جاری نماید. خشم اژدها مخصوصاً متوجه اسرائیل، قومی که مسیح موعود از آن برخاسته است، می‌باشد.

۱۴:۱۲ به یهودیان ایماندار باقی مانده **دو بال عقاب بزرگ** داده می‌شود تا بتوانند به سرعت به **بیابان** بگریزند

(برخی حدس زده‌اند که این **بال‌ها** حاکی از یک نیروی هوائی بزرگ است). بدین ترتیب بقیه یهودیان برای مدت ۳/۵ سال از حملات شیطان مصون می‌مانند: «**زمانی و دو زمان و نصف**».

۱۵:۱۲و۱٦ **مار** برای جلوگیری از فرار اسرائیل، **سیلی** ایجاد می‌کند تا مردم را در خود فرو برد، ولی یک زلزله به وقوع می‌پیوندد و آبها را می‌بلعد و نقشه شیطان را خنثی می‌کند.

۱۷:۱۲ شیطان شکست خورده و خشمناک از این حقارت، می‌کوشد خشم خود را روی یهودیانی که در زمین باقی مانده‌اند ـ یهودیانی که درستی ایمان خود را با حفظ **احکام خدا** و **شهادت عیسی**، نشان داده‌اند، خالی کند.

۱:۱۳ باب ۱۳ مکاشفه دو جانور عظیم را معرفی می‌کند: **وحشی که از دریا بالا می‌آید** و وحش دیگری که بر روی زمین، و یا سرزمین اسرائیل است. شکی نیست که این وحوش نماد کسانی هستند که در طی دورهٔ عذاب نقشی ماندگار دارند. آنها ترکیبی از چهار جانور مذکور در دانیال ۳:۷ـ۷ می‌باشند. اولین وحش یا جانور، سرزنده شدهٔ امپراتوری رم است که ده شاخ او نماد ده پادشاه می‌باشد. او از **دریا بالا می‌آید**، و این نمونه‌ای است از امت‌های غیریهودی. او دارای شاخ است. دانیال پیشگوئی نمود که امپراتوری رم با ده پادشاه زنده خواهد شد (دانیال ۲٤:۷). او دارای **هفت سر** است. در مکاشفه ۹:۱۷و۱۰ گفته شده که هفت پادشاه هستند، یک ارجاع احتمالی به هفت نوع مختلف از حاکمان یا هفت صحنه مختلف از امپراتوری است.

او دارای ده تاج بر روی شاخ‌هایش است. این مورد حاکی از قدرت حاکمیت است که توسط اژدها یا شیطان به او داده شده است. او **بر سرهایش نام‌های کفر** قرار گرفته است، و ادعای خدائی می‌کند.

۲:۱۳ **آن وحش مانند پلنگ** و **پایهایش مثل پای خرس** و **دهانش مثل دهان شیر است**. در باب ۷ کتاب دانیال پلنگ نماد یونان، خرس سمبل مادها و شیر نماد بابل است. بدین ترتیب احیاء امپراتوری رم مشابه پیشینیان خود است که تبدیل به فاتحی مانند **پلنگ** و نیرومندی چون **خرس** و آزمندی چون **شیر**، می‌شود. کوتاه کلام اینکه، این جانور ترکیبی از تمام چهره‌های شریری است که پیشگام امپراتوری‌های جهانی است که امپراتوران و حاکمان آن، قدرت مافوق طبیعی خود را از شیطان کسب می‌کند.

۳:۱۳ این جانور دارای **زخم مهلکی** در یکی از سرهایش است.

اسکوفیلد در این مورد می‌نویسد: «باقی مانده‌های امپراتوری رم باستان هرگز موقوف به دولت‌های جداگانه نشد. این فرم سلطنتی دولت‌ها بود که موقوف گردیدند، یعنی همان سری که در اثر جراحت تا مرگ پیش می‌رود.» به هر حال زخم کشنده شفا می‌یابد. به کلامی دیگر امپراتوری با یک امپراتور در راس آن بنام وحش یا جانور، زنده می‌شود.

٤:۱۳ اژدها مورد پرستش مردم قرار می‌گیرد، مردم نه تنها از اژدها دچار شگفتی شده‌اند، بلکه او را عملاً به عنوان خدا، پرستش می‌کنند، و **وحش** را نیز **سجده** می‌کنند.

۵:۱۳و٦ جانور دچار غرور و تکبر می‌شود و شروع به **کفر**گوئی می‌کند و قدرتی به او داده می‌شود که مدت **چهل و دو ماه** تاخت و تاز کند. او **نام** و **خیمهٔ خدا** و سکنهٔ آسمان را با بی‌حرمتی یاد کرده و کفر می‌گوید.

۷:۱۳ او شروع به **جنگ** با مردم خدا می‌کند و بر بسیاری غلبه می‌یابد. مردم خدا بجای اینکه تسلیم او شوند می‌میرند. حاکمیت او بر تمام جهان گسترده می‌شود ـ آخرین دنیای امپراتوری قبل از حاکمیت مسیح.

۸:۱۳ کسانی که ایماندار واقعی نیستند، داوطلبانه جانور را **پرستش** می‌کنند، چونکه هرگز به مسیح ایمان نیاورده‌اند و نام‌هایشان در **دفتر حیات برّه** نوشته نشده است. آنها به حقیقت ایمان نیاورده بلکه به دروغ ایمان دارند.

۹:۱۳ این باید اخطاری باشد به هر کسی که نور کلام خدا را وقتی که در دسترس او بوده است، پذیرفته است. پیامد انکار نور، از دست دادن نور است.

۱۰:۱۳ به ایمانداران اطمینان داده شده که جفاکنندگان بر آنها **به اسیری** می‌روند و **به شمشیر کشته** می‌شوند. این وعده **مقدسین** را قادر می‌سازد تا با **صبر و ایمان**، منتظر باشند.

۱۱:۱۳ **وحش** دوم صورت پایدار دیگری از دورهٔ عذاب است. او همکاری نزدیکی با وحش اول دارد، و حتّی جبههٔ جهانی متحدی برای پرستش وحش اول و بت اعظم که نماد امپراتوری رم است، تشکیل داده‌اند. وحش دوم **از زمین بالا می‌آید**. اگر سرزمین اسرائیل موردنظر باشد، آنگاه این رهبر می‌شود گفت که یک یهودی است. او نبی کاذب است (ر.ک. ۱۳:۱٦؛ ۲۰:۱۹؛ ۱۰:۲۰). او دارای **دوشاخ مثل شاخ‌های برّه می‌باشد**، و این هیئت ظاهری موقر و آرام به او می‌دهد، اما همچنین حدس زده می‌شود که خود را جای برّه خدا، جا می‌زند. او **مانند اژدها** صحبت می‌کند، و این اشاره به این است که او از شیطان الهام گرفته و تقویت می‌شود.

۱۲:۱۳ـ۱٤ او **با تمام قدرت وحش نخست**، بدین معنی است که امپراتوری رم قدرت نامحدودی به او داده است تا به جای خودش اعمال قدرت نماید. او دارای قدرتی فوق طبیعی است، و حتی **آتش را نیز از آسمان** فرو می‌آورد. هدف این معجزات البته فریفتن مردم و وادار کردن آنان به پرستش انسان به عنوان خدا است.

۱۵:۱۳ به او قدرت داده شده تا **صورت وحش** را زنده کند تا بتواند سخن گوید و جریمهٔ پرستش ننمودن او مرگ باشد.

۱٦:۱۳ وحش دوم، مردم را وا می‌دارد تا برای نشان دادن وفاداری خود به امپراتوری رم، **نشانی** از وحش **بر دست راست یا بر پیشانی خود**، بگذارند.

۱۷:۱۳ علاوه بر این نشانه، وحش دارای **اسم** و **عدد اسم** است. اگر کسی **نشان**، **اسم** و یا **عدد اسم** وحش را نداشته باشد قادر به **خرید و فروش** نخواهد بود. این کوششی است برای واداشتن انسان از طریق فشار اقتصادی به فراموش کردن مسیح و بت‌پرستی. این یک آزمایش جدی خواهد بود، اما ایمانداران واقعی مرگ را بر انکار نجات دهندهٔ خود، ترجیح می‌دهند.

۱۸:۱۳ **عدد وحش ٦٦٦ می‌باشد**. شش، عدد انسان است. واقعیت اینکه یک شماره کمتر از هفت است، شاید به مفهوم کوتاهی او از جلال و کاملیت خداست. سه عدد شش عبارتست از تثلیث شیطان. یکی از بزرگترین مشکلات در رابطه با باب ۱۳ مکاشفه این است کدام یک از وحوش، ضدمسیح است. وحش اول یا دوم؟ اساساً

بحث در مورد ضدمسیح بودن وحش اول این است که او اصرار دارد مانند خدا مورد پرستش قرار گیرد. کسانی که معتقدند وحش دوم ضدمسیح است می‌گویند که هیچ یهودی‌ای هرگز یک غیریهودی را به عنوان مسیحای موعود نپذیرفته است، و از آنجا که وحش دوم یک یهودی است، بنابراین می‌باید مسیحای دروغین باشد.

۱:۱٤ اینک دیده می‌شود که **برّه بر کوه صهیون ایستاده است**، همراه با **یکصد و چهل وچهار هزار نفر** و پیشانی هر یک از **آنها با اسم او و اسم پدر**، مهمور است. این نگاهی است به جلو و زمانی که عیسای خداوند به زمین بازخواهد گشت و با همهٔ ایمانداران از قبایل دوازدگانه اسرائیل، در اورشلیم خواهند ایستاد. **صد و چهل و چهار هزار نفر**، همان موردی است که در باب ۷ ذکر شده است. اینک آنان در شرف ورود به ملکوت مسیح می‌باشند.

۲:۱٤و۳ یوحنا صدای سرودی را در **آسمان** می‌شنود که مانند **صدای آبها ی بسیار و آواز رعد عظیم** و **آواز بربط نوازان** می‌باشد که تنها آن **صد و چهل و چهار هزار** نفر قادر به درک آن می‌باشند.

٤:۱٤و۵ این یکصد و چهل و چهار هزار نفر، در عبارت باکره توصیف شده‌اند ـ کسانی که خود را **با زنان آلوده** نکرده‌اند. و همچنین خود را از بت‌پرستی و نفسانیات این دوره **حفظ** و **برّه** را در اطاعت و اختصاص محض، پیروی کرده‌اند.

پنت کاستس می‌گوید: «آن‌ها (یکصد و چهل و چهار هزار نفر) «نوبر برای خدا و بره» می‌باشند، یعنی آنها اولین برداشت دورهٔ عذاب می‌باشند که داخل هزاره شده و جمعیت زمین را تشکیل می‌دهند.» آنها دروغ‌های ضدمسیح را مبنی بر اینکه فقط انسان را باید پرستید، باور نمی‌کنند و تا آنجا که پایداری‌شان در اعتراف به مسیح مدنظر است، انسان‌های بی‌عیب می‌باشند.

٦:۱٤و۷ در این آیات **فرشته**‌ای را می‌بینیم که در **آسمان** پرواز می‌کند و **انجیل جاودانی** را در دست دارد. به نظر می‌رسد که این مورد مشابه متی ۱٤:۲٤ می‌باشد که می‌گوید: «و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود، آنگاه انتها خواهد رسید.» در آیه هفتم، به انسان حکم شده است تا از **خدا** بترسد، نه از جانور؛ خدا را **تمجید** نماید نه بت‌ها را؛ خدا را **پرستش** کند، نه انسان محض را و این زمینه کلی اناجیل است. البته فقط یک انجیل وجود دارد ـ مژده نیکوئی نجات از طریق ایمان به مسیح، ولی تمرکزها بر روی آن در شرایط مختلف زمانی، متفاوت است. در طول دورهٔ عذاب بزرگ، انجیل بر آن خواهد بود که انسان را از پرستش جانور بازدارد و او را برای ورود به ملکوت مسیح بر روی زمین آماده نماید.

۸:۱٤ فرشته دوم سقوط **بابل** را اعلام می‌کند. این آیه پیشگوئی بابهای ۱۷ و ۱۸ است. **بابل** معرف اورشلیم و یهودیت و مسیحیت مرتد است که به طور کسترده‌ای تجاری شده و تابع مرکز فرماندهی رُم خواهد بود. **جمیع امت‌ها با خمر غضب زنای بابل**، مست خواهند شد.

۹:۱٤و۱۰ ما می‌توانیم زمان اعلام فرشته **سوم** را در اواسط دورهٔ عذاب و یا شروع دورهٔ عذاب بزرگ فرض نمائیم. **فرشته** اخطار می‌دهد که هر کس با وحش موافق است و او را در هر شکلی پرستش می‌کند اینک تا ابد از

خشم خدا خلاص نخواهد شد. **خُمر** غضب در مرحله عذاب بزرگ برزمین جاری خواهد شد. ولی این مورد فقط نمونه کوچکی از عذاب ابدی در جهنم است، جائی که بی‌ایمانان به **آتش و کبریت معذب خواهند شد.**

۱۱:۱٤ این آیه به ما خاطرنشان می‌سازد که جهنم شامل مجازات ابدی و آگاهانه است. کتاب‌مقدس هیچگاه تعلیم نداده است که شخص بدکار برای همیشه می‌میرد، بلکه «**دود و عذاب ایشان تا ابدالاباد بالا می‌رود**، و **شب و روز** آرامی ندارند.

۱۲:۱٤ این فرصتی خواهد بود که مقدسین به پایداری در مقابل توحش جانور و به اطاعت از خدا از طریق پرستش ننمودن انسان و بت، و حفظ اقرار خود در **ایمان به مسیح**، دعوت خواهند شد. نابودی احتمالی شریران (آیات ۹ـ۱۱)، موجب دلگرمی وفاداران در پایداری خواهد شد.

۱۳:۱٤ ایماندارانی که در این دوره می‌میرند، برکات ملکوت هزار ساله را از دست نخواهند داد. انسان می‌گوید: «خوشحالند، زندگان» و خدا می‌گوید: «**خوشحالند مردگانی که در خداوند می‌میرند**» و «**اعمال ایشان از عقب ایشان می‌رسد.**» هر کاری که برای مسیح و در نام او برای دیگران انجام داده شود، سخاوتمندانه پاداش داده خواهد شد ـ هر لطفی، هر هدیه‌ای قربانی، دعائی، اشکی و هر شهادتی.

۱٤:۱٤ اگر ما این بخش را با متی ۳۹:۱۳ـ٤۳ و ۳۱:۲۵ـ٤٦، مقایسه کنیم می‌بینیم که درو یا حاصل چینی زمین در رجعت دوم خداوند ما عیسی مسیح انجام می‌گیرد. در اینجا مسیح به صورت یک دروگر ظاهر می‌شود، ولی در متی ۳۹:۱۳ فرشتگان دروگر هستند. هر دو مورد درست است. مسیح از طریق فرشتگان درو خواهد نمود.

در اینجا مسیح را نشسته **برابر سفید**... و با **تاجی از طلا** بر سر و با **داس تیزی** در دست می‌بینیم.

۱۵:۱٤ **فرشته‌ای** دیگر که از **قدس** بیرون آمده است، به مسیح می‌گوید: «**داس خود را پیش بیاور**» چونکه «هنگام حصاد رسیده است.»

این مورد را نباید یک دستور تلقی نمود، فرشتگان حق ندارند به خدا فرمان دهند، بلکه نوعی التماس یا پیام است که توسط خدای پدر، تقویت شده است.

۱٦:۱٤ دو راه برای درک اولین دورهٔ درو، وجود دارد: نخست اینکه، شاید این مورد جمع شدن ایمانداران دوره هزاره به جهت ورود به دوره هزاره به تصویر کشیده است. بر اساس این دیدگاه، این بخش مرتبط است با «بذر نیکو» در باب ۱۳ متی که پسران ملکوت می‌باشند. و یا شاید درو داوری باشد. در این صورت موضوع مورد داوری احتمالاً غیریهودیان می‌باشند، چونکه به نظر می‌رسد اسرائیل در درو بعد موردنظر می‌باشد (آیات ۱۷ـ۲۰).

۱۷:۱٤ اینک کتاب مکاشفه به آخرین مجازات وحشتناک می‌پردازد که بر بی‌ایمانان قوم یهود یا «مِو (انگور) زمین» (ر.ک مزامیر ۸:۸۰؛ اشعیاء ۱:۵ـ۷؛ ارمیاء ۲۱:۲ و ۹:٦) وارد می‌شود. یک **فرشته** از قدس بیرون می‌آید که در **آسمان است** و مجهز به **داسی تیز** است.

۱۸:۱٤ **فرشته دیگر** شروع درو را اعلام می‌نماید. این فرشته **بر آتش مسلط است**، که احتمالاً نماد داوری متعاقب است.

۱۹:۱٤ انگورهای رسیده جمع می‌شوند و **در چرخشت عظیم غضب خدا** ریخته می‌شوند. لگدمالی انگورها در

مرحله ساخت شراب در اینجا به عنوان تصویری از داوری فشرده است.

۲۰:۱٤ سپس چرخشت پر از انگور را به بیرون شهر اورشلیم و یا شاید درهٔ یهوشافاط می‌برند.

لاشه‌ها به قدری خواهند بود که **خون** آنها به مسافت ۱۸۰ مایل و با عمقی که می‌تواند تا **به دهن** اسبان برسد، پرتاب می‌شوند. این خون از اورشلیم به ادوم خواهد رسید.

۱:۱۵ **علامتی دیگر در آسمان** ظاهر می‌شود یعنی **هفت فرشته‌ای که هفت بلای آخر** را دارند، که هرگاه رها شوند نشانه تکمیل شدن **غضب الهی** است. از اینجا می‌فهمیم که ما اینک به پایان دورهٔ عذاب نزدیکیم.

۲:۱۵ یوحنا گروه بزرگی از مردم را در آسمان می‌بیند که بر **دریائی از شیشه مخلوط به آتش** ایستاده‌اند. آنها از نظر یوحنا کسانی هستند که از پرستش **وحش** و **صورت** او ابا دارند. بدون شک آنها شهدا می‌باشند.

۳:۱۵و٤ ولی اینک آنها در آسمان هستند و **سرود موسی** و **سرود برّه** را می‌سرایند، سرودی که تماماً نقل قول از عهد عتیق می‌باشد. آنها به حقانیت و **عدالت** خدا در رابطه با آنچه که با قاتلانشان بر روی زمین می‌کند، اقرار می‌کنند. آنها **خدای قادر مطلق** را برای **اعمال** و **راههایش** ستایش می‌کنند. در این بخش این ستایش‌ها متوجه داوری خداست، اگرچه البته ممکن است متوجه تمام اعمال و راههایش باشد.

سرود موسی، ستایش موسی از رهائی مردم خدا از بردگی در مصر بود.

سرود برّه ستایش از رهائی نهائی از سلطهٔ شیطان و تمام دشمنان زندگی روحانی است. بنابراین چنانچه آ.تی پیرسون اشاره می‌کند:

«این دو سرود نشانه دوره‌های تاریخی است، که تاریخ مردم فدیهٔ داده شدهٔ خدا در بین آنها قرار دارد.»

داوری خدا بر روی زمین نشان‌دهندهٔ تقدس اوست. خدا سبب خواهد شد که جمیع **امت‌ها** او را پرستش کنند.

۵:۱۵ **بعد از** این امور یوحنا می‌بیند **که قدس خیمه شهادت در آسمان گشوده** می‌شود. این مورد ظاهراً اشاره به واقعیت‌های آسمانی است که معبد زمینی نمونه و کپی آن می‌باشد (عبرانیان ۲۳:۹). این آیه مخصوصاً اشاره به قدس‌الاقداس است.

٦:۱۵ در اینجا **هفت فرشته** ظاهر می‌شوند که ملبس به کتانی **پاک و روشن** هستند و **کمر ایشان به کمربند زرین بسته.** این یعنی که آنها مجهز شده‌اند تا داوری عادلانه را که موجب جلال خدا می‌شود، اجرا نمایند.

این **فرشته‌ها،** بر آنند که **هفت بلای** آخر را جاری سازند.

۷:۱۵ **یکی از آن چهار حیوان** به هر یک از فرشته‌ها پیاله‌ای می‌دهد. این پیاله‌ها حاوی داروی آخر دورهٔ عذاب بزرگ است که بر تمام دشمنان خدا اثر می‌گذارد، نه فقط بخشی از آنها.

۸:۱۵و۹ این واقعیت که **هیچ کس** تا این **هفت بلا به انجام نرسد،** نمی‌تواند **داخل قدس** شود، شاید بدین معنی باشد که هیچ وساطت کهانتی اینک نمی‌تواند خشم خدا را به تاخیر بیافکند.

ط. هفت پیاله غضب (باب ۱٦)

۱:۱٦و۲ **اینک آوازی بلند از میان قدس** شنیده می‌شود که به **هفت فرشته** امر می‌شود: «**بروید و هفت پیاله**

غضب خدا را بر زمین بریزند!» این مجازات‌ها در ترتیب اجرا و ماهیت شبیه مجازات‌های هفت کرنا است اما حاوی مصائب بزرگتری می‌باشند. پیاله اول موجب بروز **دنبلی زشت و بد** در کسانی که **نشان وحش را دارند و صورت او را می‌پرستند**، می‌شود.

۳:۱٦ بلای دوم آب **دریاها** را به **خون مثل مرده**، تبدیل می‌کند و تمام موجودات دریائی می‌میرند.

٤:۱٦ **پیالهٔ** سوم موجب می‌شود که منابع آبی، تبدیل به خون شوند.

۵:۱٦و٦ در این وقت، **فرشته آبها**، از داوری خدا دفاع می‌کند، انسان‌ها فقط بر اساس اعمال گناه‌آلود خود، مجازات شوند، چونکه **خون مقدسین** و **انبیاء را ریخته‌اند**، اینک مجازات آنها این است که بجای آب **خون بنوشند**، زیرا که **مستحق‌اند**.

۷:۱٦ **مذبح** احتمالاً سمبول نفوس شهیدانی است که کشته شده‌اند (۹:٦). آنها بسیار در پایداری برای اینکه آزارکنندگانشان، مجازات شوند، صبر کرده‌اند.

۸:۱٦ و ۹ بلای چهارم موجب می‌شود که مردم شدیداً در آتش خورشید و یا تابش خورشیدی بسوزند، ولی بهرحال این مجازات هم موجب نمی‌شود که آنها **توبه** کنند، برعکس **خدا** را به خاطر فرستادن این حرارت تاول‌زننده، کفر می‌گویند.

۱۰:۱٦و۱۱ **فرشته پنجم**، **پیالهٔ تاریکی** را بر **تخت وحش** خالی می‌کند. این مرحله به مجازات انسان افزوده می‌شود، به خاطر اینکه انسان‌ها نمی‌توانند خود را از آن مجازات متعاقب برهانند. ولی این مورد هم دلهایشان را نرم نمی‌کند، بلکه تنفر آنها را نسبت به خدا افزایش می‌دهد.

۱۲:۱٦ وقتی که پیالهٔ ششم خالی می‌شود، آبها ی نهر فرات خشک می‌شوند، و خشک شدن نهر، راه را برای ورود ارتش‌های **مشرق زمین** مهیا می‌کند، تا به سوی سرزمین اسرائیل هجوم آورند.

۱۳:۱٦و۱٤ در اینجا یوحنا سه روح قورباغه شکل را می‌بیند که از **دهان اژدها** و **دهان وحش** و دهان **نبی کاذب**، بیرون می‌آیند، و این جعل تثلیث اقدس توسط شیطان است. این ارواح شیطانی **معجزات ظاهر می‌سازند** تا پادشاهان جهان را فریب دهند و آنها را برای **جنگ**، در آن **روز عظیم قادر مطلق**، اغوا نمایند.

۱۵:۱٦ خداوند در اشاره به جنگ، برکت خاصی را به مقدسین دورهٔ عذاب، کسانیکه مراقب آمدن او هستند و از پرستش بت‌های آن روزها خودداری می‌کنند، وعده می‌دهد. خداوند **چون دزد** و به طور غیرمنتظره‌ای بر نجات نیافتگان ظاهر می‌شود، و آنهائی که آمادگی آمدن او را ندارند، رسوا می‌شوند.

۱٦:۱٦ ارتش‌های این جهان در مکانی به نام **حارمجدون** جمع می‌شوند.

این مکان معمولاً مرتبط با Plain of Esdraelon (صحرای استرالئون، مکانی سرسبز در شمال اسرائیل ـ م) و شهر Megiddo (میگرو) بخش شمالی آن صحرا می‌باشد. گفته‌اند که ناپلئون آنجا را جبههٔ جهانی یا جبهه‌ای ایده‌آل نامیده بود.

۱۷:۱٦ ریخته شدن آخرین پیاله داوری توسط **فرشته هفتم**، اعلام این خبر است که: «**تمام شد.**» خشم خدا تا

آنجا که دورهٔ عذاب مدنظر باشد، تمام شده است.

۱۸:۱٦ وقتی که آخرین پیاله ریخته می‌شود، در طبیعت آشوب شدیدی به وجود می‌آید مانند: انفجارها، **رعد و برق‌ها، زلزله‌هائی** که جهان از ابتدای آفرینش به خود ندیده است.

۱۹:۱٦ آنگاه شهر بزرگ بابل به **سه قسم منقسم** می‌شود و پیاله **خمر غضب‌آلود خشم خدا** را می‌نوشد. خدا، بت‌پرستی، ستمکاری و اغتشاش مذهبی بابل را فراموش نکرده است. سپس در این لحظه **بلدان امت‌ها** خراب می‌شوند.

۲۰:۱٦ **هر جزیره** و **هر کوهی** از روی زمین ناپدید می‌شوند.

۲۱:۱٦ سپس تگرگ‌هائی به وزن **یک من** زمین را بمباران می‌کنند و مردم به جای اینکه توبه کنند خدا را به دلیل فرستادن این تگرگ **کفر** می‌گویند.

ی. سقوط بابل عظیم (بابهای ۱۷ و ۱۸)

۱:۱۷و۲ **یکی از آن هفت فرشته**، از یوحنا دعوت می‌کند که به **قضای (داوری) فاحشه بزرگ** شهادت دهد. این همان سیستم بزرگ مذهبی و تجاری با سران رومی است. بسیاری بر این عقیده‌اند که باب ۱۷ مکاشفه، به تشریح بابل مذهبی و باب ۱۸ به تشریح بابل تجارتی پرداخته است. بابل مذهبی قطعاً شامل مسیحیان مرتد، اعم از پروتستان و کاتولیک می‌باشد. همچنین احتمالاً می‌تواند به خوبی معرف کلیسای جامع جهانی باشد. به این توصیف توجه کنید: **فاحشه بزرگ بر آبهای بسیار نشسته است** و حوزهٔ وسیعی از دنیای غیریهودی را در کنترل دارد.

پادشاهان جهان متهم هستند که **با او زنا کرده‌اند.** او رهبران سیاسی را با سازش و توطئه، اغوا نموده است. **ساکنان زمین** از **خمر زنای او مست** شده‌اند، یعنی شمار بسیاری تحت نفوذ شریرانه او قرار گرفته‌اند و در فلاکت و بدبختی سقوط کرده‌اند.

۳:۱۷ کلیسای مرتد در **زنی که بر وحش قرمزی سوار است** دیده می‌شود. اخیراً در باب ۱۳ مشاهده نمودیم که این جانور، امپراتوری رم احیا شده (وگاهی اوقات سرِ امپراتور) است. این وحش قرمز رنگ **پر** از **نام‌های کفر** و دارای هفت سروده شاخ می‌باشد.

٤:۱۷ برای مدتی چنین به نظر می‌رسد که کلیسای دروغین بر امپراتوری تفوّق یافته است. زن با وضعیتی روحانی و آسمانی، پوشیده با نمادهائی حاکی از ثروت بیکران خود، در حال نشان دادن **پیاله زرینی** از کارهای خود است.

۵:۱۷ **بر پیشانی** این زن عبارت مرموزی نوشته شده است: **سرّ و بابل عظیم و مادر فواحش و خباثت دنیا.**» این کلیسائی است که خون مسیحیان شهید را در طی قرون متمادی به خاک ریخته است، و هنوز هم ادامه می‌دهد و از خون آنها می‌نوشد.

٦:۱۷ یوحنا هم مانند بسیاری دیگر وقتی **آن زن** را می‌بیند که **از خون مقدسین** مست شده است، **بینهایت**

تعجب می‌کند. این آیه اشاره به مقدسین تمام قلمرو کلیسائی در تاریخ مخصوصاً به **شهدای عیسی** در طـول دورهٔ عذاب می‌باشد.

۷:۱۷و۸ اینک فرشته به تشریح «**سرّ زن و وحش**» برای یوحنا می‌پردازد و می‌گوید آن جـانوری را کـه دیـدی (امپراتوری رم در گذشته) دیگر **نیست**؛ (ساقط شده، و مانند هر فرمانروائی جهانی دوامی نخواهد داشت)؛ از **هاویه خواهد آمد** (به شکل اهریمن خاصی ظاهر خواهد شد)؛ به **هلاکت خواهد رفت** (و سرانجام مطلقاً از بین خواهـد رفت). احیاء امپراتوری و ظهور رهبر جذابش بی‌ایمانان جهان را **حیرت** زده خواهد نمود.

۹:۱۷ فرشته می‌گوید که این پدیده **ذهن حکیم** را به چالش می‌خواند. **هفت سر، هفت کوه می‌باشد که زن بر آنها نشسته است.** تفسیری سنتی از این آیه می‌گوید که کانون هرزگی در رم است که بر هفـت تپـه سـاخته شـده است.

۱۰:۱۷ بعضی از مفسرین می‌گویند که این **هفت پادشاه** نماد هفت نوع حاکمیت رومی می‌باشد، پـاره‌ای دیگـر می‌گویند آنها هفت امپراتور واقعی رم می‌باشند، و برخی دیگر می‌گویند که ایـن پادشـاهان معـرف قـدرت عظـیم جهانی می‌باشند: مصر، آشور، بابل، ایران، یونان، رم و امپراتوری رم که در آینده احیاء می‌شود.

۱۱:۱۷ پادشاه **هشتم** را گاه سرِ زنده شده امپراتوری رم و گاه ضدمسیح تعریف کرده‌انـد. ممکـن اسـت مفهـوم دقیق این نبوّت تا زمان وقوعش هرگز روشن نشود.

۱۲:۱۷ ممکن است که عبارت **ده شاخ** نمادی از **پادشاهان** آینده باشند که تحت نظـارت **وحـش** رم، خـدمت خواهند نمود. آنها تنها مدت **یک ساعت** سلطنت خواهند نمود و این مدت کوتاهی است (آیه دهم).

۱۳:۱۷ این ده پادشاه به اتفاق هم **قوت و قدرت خود را** به وحش رم تفویض مـی‌کننـد. بـه کلامـی دیگـر ده کشور (یا حکومت) حق حاکمیت ملی خود را به او می‌دهند.

۱٤:۱۷ سپس این امپراتوری شکل گرفته جدید، به جنگ با عیسای مسیح خداوند در هنگام بازگشتنش به زمین و در پایان دورهٔ عذاب خواهد پرداخت. ولی همانطور که واترلو سرنوشت تلخی برای ناپلئون بود، او نیـز در ایـن نبرد واترلوی خود را خواهد دید. هرچند که عیسی برّه است، اما **رب‌الارباب و پادشاه پادشاهان** نیز مـی‌باشـد، و پیروان او **خوانده شده** و **برگزیدگان امین‌اند.**

۱۵:۱۷ فرشته اینک به تشریح آبها در آیه اول و **قوم‌ها**، **جماعت‌ها** و **امت‌ها** می‌پردازد: **فاحشـه** بـر روی **آبهـا** نشسته است به طوری که سلطهٔ خود را بر بخش بزرگی از جمعیت نشان می‌دهد.

۱٦:۱۷ چنین به نظر می‌رسد که امپراتوری احیاء شدهٔ رم داوطلبانه خود را تحت سلطهٔ او قرار داده، و یا حداقل مدتی تحت نفوذ کلیسای فاسد قرار گرفته است. ولی به هر حال بالاخره این یوغ نامناسب را از گردنش باز می‌کند و او را نابود می‌کند. فاحشه، منفور، عریان و بینوا در جائی که نشسته است توسط وحش سوزانده می‌شود.

۱۷:۱۷ **خدا** در پشت صحنه تمام این وقایع است و هموست که حکومت‌ها را تحت حکومت وحش رم متحد می‌کند و سپس بر علیه فاحشه برمی‌انگیزد، همه این امور برای این است که کلام و ارادهٔ خدا تحقق یابد.

۱۸:۱۷ آن **شهر عظیم** که **بر پادشاهان جهان سلطنت می‌کند،** شهر عظیم بابل است. ولی بعد آن چنان که دیدیم، مرکز فرماندهی یک زن در رم است.

۱:۱۸ باب ۱۸ کتاب پیدایش نخست شامل سرود تدفین و جشن سقوط بابل می‌باشد. آن چنان که گفته شد این مورد اشاره به کلیسای فاسد می‌باشد که نه **تنها** یک سیستم مذهبی گسترده است، بلکه شاید بشود گفت که بزرگترین تشکیلات تجاری در دنیا می‌باشد و ظاهراً بازار دنیا را در کنترل خود دارد. وقتی **فرشته دیگر** با **قدرت عظیم از آسمان نازل شد،** تا اخبار را اعلام نماید، مانند این بود که زمین منوّر شد و **جلال** او زمین را نورانی نمود.

۲:۱۸ بابل عظیم، **منهدم** و ویرانی‌های آن جایگاه **دیوان** و هر **روح خبیث** و **هر مرغ ناپاک و مکروه،** می‌شود.

۳:۱۸ علت سقوط او (بابل)، فاسد بودن مطلق او و معامله او با تجار درون خودش است. او همه **امت‌ها** را با **کثرت عیاشی** خود، مست نموده است.

٤:۱۸ **صدایی دیگر از آسمان** به مردم خدا اخطار می‌کند که از سیستم نابودکننده و نابودشونده زن **بیرون آئید!** معاشرت یا مقاربت با او یعنی شراکت در **بلاهای** او.

۵:۱۸–٦ **گناهان او** (زن) تا به فلک، انبوه شده است و **خدا ظلم‌هایش را به یاد آورده است.** او می‌بایست برای اعمال شریرانه‌اش **دوچندان** جزا شود، و این مجازات نه از مردم خدا، بلکه از فرشته‌ای است که ابزار انتقام خدا می‌باشد.

۷:۱۸ **عذاب و ماتم او،** متناسب با افزونی قدرت و اعتبار و زندگی عیاشانه‌اش، می‌باشد. او خود را **ملکه** می‌پندارد که بر صدر همه چیز نشسته است و از هر **ماتمی** مصون می‌باشد.

۸:۱۸ او در **یک روز** داوری خواهد شد و محکوم به **مرگ و ماتم و قحط** خواهد گردید. کسی که او را محکوم به سوختن در آتش می‌کند، **خداوند خدا** است.

۹:۱۸–۱۰ آنگاه **پادشاهان دنیا،** در سوختن معشوقه قدیم خود، خواهند گریست. بهرحال گریه آنها متوجه خودشان است. آنها به خاطر از دست رفتن لذت‌ها و خوشگذرانی‌های خود، اندوه ناکند و از **دور ایستاده،** از ترس **عذاب او** و پایان غافلگیرانه او مبهوت می‌شوند.

۱۱:۱۸–۱۳ مخصوصاً **تجار جهان** برای او ماتم خواهند گرفت، چونکه دیگر امید خود را از مال‌اندوزی از دست می‌دهند و **بضاعت ایشان را کسی** نخواهد خرید.

صورت محصولات مورد داد و ستد در بابل شامل تجارت جهانی است: فلزات گرانبها، جواهرات، منسوجات، عاج، برنج، آهن، مروارید، عطریات، ادویه‌جات، شراب، روغن، حبوبات، احشام، کالسکه و **اجساد و نفوس مردم** یعنی برخورد با کلیسا به عنوان کالائی قابل خرید و فروش.

۱٤:۱۸ به مردان کار و تجارت سیستمی ورشکسته وعده داده می‌شود که در آن سیستم به خاطر از دست دادن دورنمای امیدبخش و پرمنفعت خواهند گریست و ثروت و شکوه آنها ناگهان و برای همیشه ناپدید خواهد شد.

۱۵:۱۸–۱٦ **تاجران** نیز مانند پادشاهان مبهوت شده، **گریه و ماتم** خواهند نمود، چونکه چنان منافعی را در طی یکساعت از دست داده‌اند. آنها به یاد شکوه و عظمت پیشین شهرشان می‌افتند که چگونه مردم لباس‌های فاخر می‌پوشیدند و به جواهرات **مزّین** بودند.

۱۷:۱۸–۱۸ اینک تمام دولتمندان ناگهان فقیر شده‌اند و پریشانی بزرگی آنها را تهدید می‌کند. کسانی‌که در کشتی‌های تجارتی کار می‌کنند در **دوردست** ایستاده و گریه می‌کنند و می‌گویند: «**کدام** شهر قابل مقایسه با این **شهر بزرگ** است؟»

۱۹:۱۸ کارکنان کشتی‌های تجارتی **خاک بر سر خود** می‌ریزند و بر شهری که موجب غنای صنعت دریانوردی گردیده بود و اینک در یک ساعت ویران شده است، گریه و شیون می‌کنند.

۲۰:۱۸ ولی وقتی که اشک این بی‌خدایان بر زمین می‌ریزد، در آسمان شادی بزرگی حکمفرما می‌شود: «ای آسمان شادی کن چون سرانجام خدا انتقام مقدسین و رسولان و انبیاء خود را گرفته است. خدا بابل را به خاطر تهدیدی که بر مردمش روا می‌دانست مجازات کرده است.»

۲۱:۱۸ **یک فرشته زورآور، سنگی چون سنگ آسیا** گرفته و آن را **به دریا** پرتاب می‌کند، و این نموداری است از نابودی **بابل**.

۲۲:۱۸ دیگر هر صدائی در بابل اعم از صدای موسیقی، سوت کارخانجات، و چرخش آسیاب‌ها برای همیشه خاموش شده است.

۲۳:۱۸ هر **نوری** خاموش می‌شود، و دیگر صدای شادمانه عروس و دامادی در آنجا شنیده نخواهد شد. چرا؟ چون رهبران بابل **جمیع امت‌ها** را با **جادوی** خود فریفته‌اند.

۲٤:۱۸ شهر بابل متهم به ریختن **خون مقدسین** خدا، و تمام ایماندارانی است که به خاطر ایمانشان به قتل رسیده‌اند، می‌باشد. و اینک خدا سزای اعمالش را می‌دهد.

ل. آمدن مسیح و حکومت هزارسالهٔ او (۱:۱۹ الی ۹:۲۰)

۱:۱۹ **بعد از آن**، یوحنا **آوازی بلند** از آسمان می‌شنود که خدا را برای مجازات عادلانه **فاحشه بزرگ**، ستایش می‌کنند. سرایندگان خدا را به عنوان **خدای ما** که نجات و جلال و اکرام و **قوت** از آن اوست، می‌ستایند.

۲:۱۹ **آواز بلند** از آسمان خدا را به خاطر منهدم نمودن **فاحشه بزرگ** تایید می‌کند. چونکه صداقت و عدالت خدا اقتضاء می‌نماید که آن زن را به خاطر زنایش و کشتن بیرحمانه **بندگان خودش**، تنبیه نماید.

۳:۱۹ دود ابدی سوختن بابل را که به آسمان می‌رود، دومین «هللویا» یا «شکرگزاری» خداوند را موجب می‌شود.

٤:۱۹ **آن بیست و چهار پیر و چهار حیوان**، یکصدا و از صمیم قلب «**آمین**» و «**هللویا**» سر می‌دهند.

۵:۱۹ **آوازی از تخت**، بندگان خدا را دعوت می‌کند تا در تجلیل خداوند به خاطر انهدام هیولای بابل، شرکت

کنند.

۶:۱۹ اینک آواز دیگری از آسمان، بلند چون آواز آبها ی فراوان، رسا چون رعد به گوش می‌رسد. «هللویا»ئی رسا، جشن حاکمیت **خداوند، خدای قادر مطلق** را شکوه می‌بخشد.

۷:۱۹و۸ دورهٔ عذاب سپری شده است. بابل مجازات شده است. اینک زمان **نکاح برّه رسیده است.** کلیسا، عروس مسیح، خود را برای آراستن روح مهیا کرده است. کلیسا **به کتان پاک و روشن خود را** پوشانیده است، که بیانگر و سمبول **عدالت‌های مقدسین است**.

۹:۱۹ یک فرشته از یوحنا می‌خواهد تا برکات کسانی را که به **بزم نکاح برّه دعوت شده‌اند**، اعلام نماید. کلیسا عروس آسمانی است؛ کسانی که به مهمانی این عروسی دعوت شده‌اند، باقی مانده بازخرید شدگان می‌باشند. فرشته با گفتن «**این است کلام خدا**»، اهمیت این برکت را تاکید می‌کند.

۱۰:۱۹ یوحنا پیش **پای** فرشته خم می‌شود تا او را **سجده** کند، ولی فرشته او را از این کار بازمی‌دارد و تأکید می‌کند که فقط خدا شایسته سجده نمودن است. فرشته خود را **هم خدمت** یوحنا و همهٔ کسانی که **شهادت عیسی را دارند**، معرفی می‌کند. سپس فرشته می‌افزاید: «**زیرا که شهادت عیسی، روح نبوّت است.**» مفهومش این است که هدف واقعی نبوت، تصدیق عیسی و کار اوست. سی.سی.رایر، می‌نویسد: «نبوت، یعنی آشکارسازی زیبائی عیسی.»

۱۱:۱۹ سرانجام به ماجرائی می‌رسیم که بقیه کتاب مکاشفه در حول و حوش آن نوشته شده است، و آن بازگشت پرجلال مسیح به زمین به منظور نابودی دشمنان و استقرار ملکوت خودش است. این مرحله ربایش کلیسا نیست. در مرحله ربایش مسیح برای بردن مقدسین خود می‌آید ولی در اینجا با مقدسین خود به زمین می‌آید. توجه داشته باشید به توصیف خداوند ما: او بر **اسبی سفید** سوار است، بدیهی است که این یک اسب جنگی است چونکه او برای غلبه بر دشمنانش می‌آید. نام او **امین و حق** است. او در وعده‌هایش **امین** و در شخصیتش **حق** است. او **به عدل داوری و جنگ می‌نماید.**

او فقط می‌تواند بر مملکتی حکمرانی کند که مردمش مایل باشند تحت حاکمیت عدالت زندگی کنند. بنابراین او باید نخست به رفع هر آنچه در تضاد با عدالت است، بکوشد.

۱۲:۱۹ چشمانی **چون شعله آتش**، نشانگر قدرت نفوذ داوری اوست. او می‌تواند تمام عاصیان و بی‌ایمانان را تشخیص دهد. **بر سرش افسرهای بسیار** است. دیگران هم ممکن است تاج پیروزی را بر سر داشته باشند، اما تاج پادشاهی تنها زیبنده تارک عیسای مسیح خداوند است. او **نامی** است که هیچ کس **جز خودش** آن را نمی‌داند. شخصیت عیسی دارای رموزی است که هیچ مخلوقی قادر به فهم آن نخواهد بود.

۱۳:۱۹ **او جامه‌ای خون‌آلود** پوشیده است، نه خونی که از او در جلجتا بر صلیب ریخته شد بلکه خون دشمنانش را که او در چرخشت غضب خدا، لگدمال نموده است. او را با عنوان «**کلمه خدا**» می‌نامند. «کلمه» یعنی بیان اندیشه. خدا خود را در عیسی مسیح به انسان شناسانیده است.

۱٤:۱۹ او پیشرو **لشکرهای آسمانی** است که ملبس به **کتان سفید** هستند و بر **اسب‌ها ی سفید** سوارند. بدون شک این لشکر از مقدسین تشکیل شده است. ولی آنها برای جنگیدن نیامده‌اند. عیسای خداوند بدون کمک آنها با دشمنانش می‌جنگد.

۱۵:۱۹ از **دهان** او **شمشیری تیز** بیرون آمده است که بدان وسیله **امت‌ها** را **می‌زند**. او با **عصائی آهنین** آمده است تا بر آنها سلطنت کند و **چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود** بفشارد.

۱٦:۱۹ بر روی **لباسش** و **رانش** نوشته شده است: «**پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب.**» خداوند ما حاکم مطلق است، و همهٔ انسان‌ها باید بر حاکمیت او گردن نهند.

۱۷:۱۹و۱۸ **ضیافت عظم خدا**، عبارتست از نابود شدن بقیه دشمنان او قبل از استقرار ملکوتش. لاشخورها دعوت شده‌اند تا در این ضیافت شرکت کنند! آنها از اجساد کسانی که توسط خداوند کشته شده‌اند، تغذیه می‌کنند ـ مردمی از هر طبقه اجتماعی، **چه صغیر و چه کبیر**.

۱۹:۱۹و۲۰ متحدان **وحش** همراه با **لشکر** پادشاهان زمین در تلاشی مذبوحانه برای جلوگیری از تشکیل ملکوت (مزمور دوم) آمده‌اند تا با خداوند و **لشکر او** بجنگند. ولی تلاش آنها بیهوده است. **وحش** و **نبی کاذب** گرفتار می‌شوند و زنده در **دریاچه آتش افروخته شده** پرتاب می‌شوند.

۲۱:۱۹ بقیه شورشیان با شمشیر خداوند کشته می‌شوند و از اجسادشان غذای مفصلی برای لاشخورها ترتیب داده می‌شود. شمشیر تمثیلی از کلام خداست (ر.ک افسسیان٦:۱۷؛ دوم تسالونیکیان ۲:۸؛ عبرانیان ٤:۱۲؛ مکاشفه ۱:۱٦؛ ۲:۱۲و۱٦).

در این مرحله پایان دورهٔ عذاب بزرگ فرا می‌رسد.

۱:۲۰ قبل از اینکه دورهٔهزارساله شروع شود، می‌بایست شیطان مهار شود. برای تحقق این امر **یک فرشته از آسمان نازل می‌شود** که **کلید هاویه** و **زنجیری بزرگ** را در دست دارد.

از یک نظر خداوند ما موقع آمدنش به زمین، شیطان را بسته است (متی ۱۲:۲۹). بنابراین، این صحنه دیگری از دربند کشیدن اوست.

۲:۲۰ فرشته شیطان را گرفتار می‌کند و تا **مدت هزار سال دربند می‌نهد**. یوحنا وسوسه‌کننده را با چهار عنوان نامیده است: **اژدها، مار، ابلیس** (تهمت‌زننده) و **شیطان** (مدّعی).

۳:۲۰ در طول دورهٔ هزاره، دشمن بزرگ در **هاویه** زندانی می‌شود. هاویه به طوری مُهر می‌شود که او دیگر نمی‌تواند از آنجا خارج شود تا **امت‌ها را** گمراه کند. در اواخر سلطنت مسیح، او مجدداً برای آخرین شورش کوتاه‌مدت خود، آزاد می‌شود (آیات ۷ تا ۱۰).

٤:۲۰ اینک یوحنا کسانی را بر تخت در آسمان می‌بیند که قدرت اعمال حاکمیت دارند. اینان مقدسین عصر کلیسا می‌باشند که در قالب عروس مسیح با او **سلطنت** می‌کنند. همچنین یوحنا گروه شهیدان را می‌بیند ـ کسانی که نشان وحش را بر پیشانی خود نپذیرفته‌اند. اینان به روشنی مقدسین عذاب کشیده هستند که به خاطر ایمانشان

مرده‌اند. هر دو گروه در عصر طلائی صلح و کامیابی با مسیح **سلطنت** می‌کنند.

۵:۲۰ بخش اول آیه پنجم یک جمله معترضه است. عبارت **سایر مردگان** اشاره به بی‌ایمانان تمام عصرها می‌باشند که در پایان هزار سال زنده می‌شوند تا در پیش تخت سفید بزرگ داوری بایستند.

عبارت «**این است قیامت اول**»، برمی‌گردد به آیه چهارم. **قیامت اول** یک رویداد تنها نیست، بلکه تشریح رستاخیز عادلان در زمان‌های مختلف است. این واقعه اشاره دارد به **رستاخیز** مسیح (اول قرنتیان ۲۳:۱۵)، رستاخیز کسانی که در هنگام ربوده شدن کلیسا توسط مسیح، از آن او می‌باشند (اول تسالونیکیان ۱۳:٤ــ۱۸)، رستاخیز دو شاهدی که بدنهایشان در **شارع عام** افتاده بود (مکاشفه ۱۱:۱۱). و رستاخیز مقدسین عذاب کشیده که در اینجا توصیف شدند (همچنین رجوع کنید به دانیال ۲:۱۲). به کلامی دیگر قیامت اول شامل قیامت مسیح و همهٔ ایمانداران واقعی است، هرچند در زمان‌های متفاوت زنده می‌شوند. این رستاخیز در چندین مرحله واقع می‌شود.

٦:۲۰ کسانی که در **قیامت اول** نصیب برده‌اند متبارک‌اند، چون زمانی که تمام بی‌ایمانان دردریاچه آتش افکنده می‌شوند، **آنها موت ثانی** را نمی‌بینند (آیه ١٤). ایمانداران واقعی **کاهنان خدا و مسیح** خواهند شد و مدت هزار سال **با او سلطنت خواهند کرد.**

۷:۲۰و۸ چون هزار سال به انجام می‌رسد، شیطان از بند آزاد شده بیرون می‌رود تا در **چهار زاویه جهان** مللی را که با مسیح دشمنی می‌کنند و در اینجا جوج و ماجوج نامیده شده‌اند، برای جنگ با مسیح آماده نمایند. عبارت جوج و ماجوج را نباید با «جوج که از زمین ماجوج» است و در حزقیال بابهای ۳۸ و ۳۹ بدان اشاره شده، اشتباه نمود.

در کتاب حزقیال ماجوج سرزمینی بزرگ در شمال اسرائیل است، و جوج پادشاه آن سرزمین است. ولی در اینجا این دو عبارت بطور عام اشاره به ملت‌های جهان است. در کتاب حزقیال وضعیت، ماقبل هزاره است، ولی در اینجا بعد از هزاره است.

۹:۲۰ بعد از تجدید قوا، ارتشی از شورشیان بی‌خدا و اهریمنان به سوی اورشلیم **شهر محبوب** می‌تازند. ولی **آتش از جانب خدا از آسمان** فرو می‌ریزد و سپاهیان را در خود می‌بلعد.

م. مجازات شیطان و تمام بی‌ایمانان (۲۰:۱۰ــ۱۵)

۱۰:۲۰ آنگاه **ابلیس**، به **دریاچه آتش و کبریت** افکنده می‌شود تا به **وحش** و **نبی کاذب** بپیوندد. شاید تعجب‌آور باشد که شیطان بتواند در پایان دورهٔهزاره ارتشی از بی‌ایمانان تدارک ببیند. به هرحال، باید به خاطر داشته باشید که تمام کودکانی که در طول سلطنت مسیح متولد می‌شوند، در گناه متولد خواهند شد و احتیاج به نجات خواهند داشت. همه کس مسیح را در آن زمان به عنوان پادشاهی عادل قبول نخواهد داشت و چنین افرادی در روی زمین پراکنده‌اند و می‌کوشند تا آنجا که ممکن است از اورشلیم دوری کنند.

توجه داشته باشید که **وحش و نبی کاذب**، بعد از هزار سال، باز هم به هاویه می‌روند. این مورد، آن چنان که آیه می‌گوید: «و ایشان تا ابدالاباد شبانه روز عذاب خواهند کشید»، نظریه فنای ابدی را مردود می‌کند.

۱۱:۲۰ در این آیه ما **با تخت بزرگ سفید داوری**، آشنا می‌شویم. این تخت **بزرگ** است چونکه دربرگیرنده موارد بسیاری است، و به خاطر کاملیت و خلوص داوری‌هائی که بر آن می‌شود، **سفید** است. عیسای خداوند به عنوان داور بر آن تخت نشسته است (یوحنا ۲۲:۵و۲۷).

عبارت «که از روی وی آسمان و زمین گریخت»، اشاره به این است که این داوری در ابدیت و بعد از نابودی خلقت کنونی، صورت می‌گیرد (دوم پطرس ۱۰:۳).

۱۲:۲۰ اینک **مردگان** از **خرد و کلان** در پیش تخت خدا ایستاده‌اند. آنها بی‌ایمانان تمام زمانه‌ها می‌باشند. سپس **دفتری دیگر گشوده** می‌شود و آن **دفتر حیات** است که شامل اسامی تمام کسانی است که توسط خون گرانبها ی مسیح، آمرزیده شده‌اند. دفتر اول شامل جزئیات ثبت شده از اعمال نجات نیافتگان است. نام هر کسی که در این دفتر است، در دفتر حیات ثبت نشده است. درج نشدن نام آنها در دفتر حیات موجب محکومیت آنهاست، ولی ضبط اعمال شریرانه آنها تعیین کننده میزان مجازاتی است که می‌بینند.

۱۳:۲۰ دریا تمام اجسادی را که در خود دارد و در آن مدفون شده‌اند، پس خواهد داد. **موت** و **عالم اموات** نیز تمام مردگانی را که در بی‌ایمانی مرده‌اند، بازپس خواهد داد. بدن‌ها و ارواح جهت ایستادن در پیش تخت داوری به هم می‌پیوندند. همانطوریکه پاداش‌ها در بهشت متفاوت است، درجه مجازات هم در هاویه، متفاوت است. درجه پاداش و مجازات خواه در بهشت و خواه در هاویه مربوط به اعمال داوری شدگان است.

۱٤:۲۰ وقتی می‌خوانیم که: **موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد**، منظور از آن هم جسم است و هم روح و هم جان. آیه می‌گوید که: «**این است موت ثانی**» و موت ثانی، یعنی دریاچه آتش.

تفاوتی وجود دارد بین عالم اموات و هاویه. عالم اموات برای شخص غیرمسیحی که می‌میرد یک حالت غیرجسمانی و مجازات آگاهانه است. عالم اموات نوعی اطاق انتظار است، یک وضعیت واسطه‌ی که آنها در آنجا منتظر داوری در مقابل تخت سفید داوری می‌مانند.

عالم اموات برای ایمانداری که مرده است یک حالت غیرجسمانی متبارک در آسمان است که در انتظار زنده شدن و جلال یافتن جسم خود است. وقتی که عیسی مرد، به فردوس رفت (لوقا ٤۳:۲۳)، که پولس آنجا را آسمان سوم نامیده است (دوم قرنتیان ۲:۱۲و٤)، و مکان استقرار خداست. در کتاب اعمال ۲۷:۲ گفته شده که خدا نفس عیسی را در عالم اموات ترک نکرد، بلکه نفس او را با بدنی جلال یافته ملبس نمود.

هاویه زندان آخرین برای مردگان شریر است. هاویه همان دریاچه آتش، جهنم و موت ثانی است.

۱۵:۲۰ مبنای تصمیم‌گیری در این داوری، وجود نام شخص در **دفتر حیات** است. اگر نام کسی در این دفتر یافت شود، او در زمرۀکسانی است که در قیامت اول سهیم هستند. بنابراین، این آیه تنها در مورد کسانی صادق است که پیش تخت سفید داوری ایستاده‌اند.

ن. آسمان و زمین جدید (۲۱:۱الی۲۲:۵)

۱:۲۱ سئوالی در اینجا مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا بابهای ۲۱ و ۲۲ مکاشفه صرفاًدر رابطه با حالت ابدی است و یا فاصله‌ای است بین دورۀ هزارساله و حالت ابدی، چونکه دورۀ هزاره و جاودانگی از بسیاری جهات شبیه

هم هستند.

در اینجا حالت ابدی **آسمان و زمین جدید**، نامیده شده است. این مورد نباید با آسمان و زمین جدید مذکور در اشعیاء ۶۵:۱۷ـ۲۵، اشتباه شود. در اینجا دورهٔ هزاره موردنظر است، چونکه گناه و مرگ هنوز حضور دارند. این دو مورد کاملاً در حالت ابدی وجود ندارند.

۲:۲۱ اینک یوحنا، **شهر مقدس** یا **اورشلیم جدید** را می‌بیند که از **آسمان نازل می‌شود**. آراسته چون عروسی برای شوهر خود. چونکه هرگز گفته نشده که این شهر بر زمین قرار می‌گیرد، برخی را بر آن داشته است که آنجا را شهری معلق در روی زمین جدید بپندارند. این واقعیت که نامهای قبایل اسرائیل بر دروازه‌های این شهر نوشته شده، حاکی از این است که اسرائیلِ آمرزیده شده اجازه دخول به آنجا را دارد، حتی اگرچه آنها بخشی از کلیسا نمی‌باشند. فرق بین کلیسا (عروس، عروس برّه ـ آیه نهم) و اسرائیل (آیه ۱۲) و قوم‌های غیریهودی در آیه ۲۴ کاملاً بیان شده است.

۳:۲۱ یوحنا ندائی **از آسمان** می‌شنود که می‌گوید: «**اینک خیمه خدا** با **آدمیان است**.»

ایمانداران به عنوان مردم خدا، از مشارکت او برخوردار خواهند شد ـ نزدیک‌تر از آنچه که قابل تصور است. **خدا** خودش در نزدیکترین و صمیمانه‌ترین ارتباط **با ایشان ساکن خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود.**

۴:۲۱و۵ عبارت «**خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد**» بدین مفهوم نیست که در آسمان گریستن هم وجود دارد. این یک بیان شاعرانه است از دنیائی که در آن نه **موت** وجود دارد، نه **ماتم** و نه **ناله** و نه **درد**. برای مردم خدا چنین مسائلی برای همیشه پایان خواهد یافت. کسی که **برتخت** نشسته است، **همه چیز را تازه** می‌کند. سخن او **امین و راست** است و قطعاً تحقق خواهد یافت.

۶:۲۱ اعلام حالت ابدی نشانهٔ پایان نیات خدا برای زمینی است که ما بر روی آن زندگی می‌کنیم.

آن چنان که الفا و امگا حروف اول و آخر الفبای یونانی است (در فارسی **الف** و **یا** ترجمه شده است ـ م)، خدا نیز **ابتدا** و **انتها**، خالق و هدف کائنات آغازکننده، پایان‌دهنده و ازلی و ابدی می‌باشد. این خداست که **آب حیات** (نجات) را مجانی به هر کس که تشنه آن است، می‌دهد.

۷:۲۱ این خداست که غالب شنوندگان را در **وراثت همه چیز** و کسب صمیمیتی تازه که در بین **پدر** و **پسر** است، برکت می‌دهد. آن چنان که قبلاً گفته شد، یک شخص غالب کسی است ایمان دارد که عیسی، پسر خداست (اول یوحنا ۵:۵)، و از طریق ایمان بر دنیا غالب می‌آید (اول یوحنا ۴:۵).

۸:۲۱ ولی همه کس غالب نیست. عده‌ای **ترسو** هستند و می‌ترسند مسیح را اقرار کنند، عده‌ای **بی‌ایمان** هستند و مایل به توکل بر نجات دهنده گناهکاران نیستند ـ آن عده که در گناهان خود باقی می‌مانند. عده‌های **خبیث** می‌باشند ـ خواه جرم‌های بزرگی که در این لیست آمده است، مرتکب شده باشند یا نه ـ **قاتلان** ـ جانیان بالفطره، **زانیان** ـ (در انواع اشکالش مثل زن‌بارگی، همجنس‌بازی و...)، **جادوگران** ـ کسانی که با ارواح شریر در ارتباط می‌باشند، **بت‌پرستان** ـ توهین‌کنندگان به خدا از طریق پرستش بت‌ها و **جمیع دروغگویان**، از این ارتباط تنگاتنگ

و صمیمی با خدا، محروم خواهند بود. مقصد نهائی این افراد **دریاچه افروخته شده به آتش** می‌باشد.

۹:۲۱ **یکی از آن هفت فرشته** که هفت پیاله بلا را دارند به یوحنا پیشنهاد می‌کند تا جزئیات بیشتری از اورشلیم جدید را که عروس منکوحه برّه می‌نامد، به او نشان دهد. شاید منظور این است که اورشلیم جدید جایگاه **عروس** است.

۱۰:۲۱–۱۱ یوحنا توسط **روح** به **کوهی بلند** برده می‌شود و در آنجا **شهر مقدس اورشلیم** را می‌بیند که **از آسمان از جانب خدا نازل می‌شود**. منوّر شده با **جلال خدا** و درخشان چون **جواهری گرانبها**.

۱۲:۲۱–۱۳ محصور در **دیواری** بزرگ و دارای **دروازه درازده** در دیوار، زینت شده با نقش **دوازده فرشته** و منقوش شده با **نامهای دوازده سبط بنی‌اسرائیل** و در هر سمت سه دروازه.

عدد **دوازده**، بیست و یک بار در این کتاب و هفت بار در این باب به کار رفته است. این عدد معمولاً برای نشان دادن حکومت یا فرمانداری به کار می‌رود.

۱٤:۲۱ **دوازده اساس** دیوارها حاوی **دوازده اسم دوازده رسول برّه است**. شاید این مورد احتمالاً اشاره به این حقیقت باشد که آنها (رسولان) بنیاد کلیسا را نهاده‌اند (افسسیان ۲:۲۰).

۱۵:۲۱–۱٦ اینک فرشته با **نی طلا** شهر را اندازه می‌گیرد هر اندازه آن تقریباً **دوازده هزار تیر پرتاب** (۱٤۰۰ ـ۱۵۰۰ مایل) است و **طول** و **عرضش** و **بلندیش** برابر است. شهر خواه به صورت مکعب و خواه به صورت هرم، تا فراسوی مرزهای اسرائیل احیاء شده، گسترش یافته است.

۱۷:۲۱ طول دیوار شهر **یکصد و چهل و چهار هزار ذراع است**. عبارت «**موافق ذراع انسان، یعنی فرشته**»، یعنی فرشته مذکور در بابهای ۹ و ۱۵ مکاشفه واحد اندازه‌گیری انسان را به کار کار برده است.

۱۸:۲۱ تصور شهری با دیوار یشمی و ساخته شده از **زر خالص** برای ما مشکل است. شاید این توصیف طرحی است برای بیان شکوه و درخشندگی این شهر.

۱۹:۲۱–۲۰ دوازده اساس شهر مزین هستند به **جواهرات گرانبها**، شبیه جواهراتی که بر پیش‌بند کاهن اعظم بود که معرف دوازده قبیله اسرائیل بود. تعریف دقیق این جواهرات و یا مفهوم روحانی آنها غیرممکن است.

۲۱:۲۱ **دوازده دروازه شهر، دوازده مروارید** می‌باشند، یادآور این حقیقت است که کلیسا مروارید گرانبهائی است که نجات‌دهنده به خاطر دست‌یابی به آن، هر آنچه را که داشت فروخت (متی ۱۳:٤۵–٤٦). **شارع عام شهر از زر خالص، چون شیشهٔ شفاف** است، که حاکی از جلال بی‌عیب و کامل شهر است.

۲۲:۲۱–۲۳ مکان خاصی که در شهر وجود ندارد، **قدس** (معبد) است، چونکه **خداوند خدای قادر مطلق و برّه قدس آن است**. در این شهر **آفتاب** یا **ماه** وجود ندارند، چونکه **جلال خدا** شهر را منوّر کرده است و **چراغ شهر برّه** است.

۲٤:۲۱ امت‌ها (غیریهودیان) از زیبائی آن شهر بهره‌مند خواهند شد و **پادشاهان جهان** با تکریم و ستایش به پیشگاه خداوند خواهند آمد.

۲۵:۲۱ در این شهر دروازهٔ بسته‌ای نخواهد بود زیرا در شهر امنیت کامل حکمفرماست و از هر دستبردی مصون است. **شب** در این شهر وجود ندارد، چون سرزمین روز جاودانی است.

۲۶:۲۱ آن چنان که گفته شد، ثروت همهٔ ملل به سوی شهر سرازیر خواهد شد و تمام **جلال** و **عزت** آنها، از آن شهر خواهد شد.

۲۷:۲۱ شخص ناپاک و هر چیز ناپاک دیگری **داخل** شهر نخواهد شد، مگر **آنانی که در دفتر حیات برّه مکتوبند.**

۱:۲۲-۲ **نهری از آب حیات** که **از تخت خدا و برّه جاری می‌شود** و در **وسط شارع عام** که **بر هر دو کناره‌اش درخت حیات** روئیده است و **دوازده** نوع میوه **می‌آورد،** به یوحنا **نشان** داده می‌شود. میوه‌های این درخت دیگر میوه ممنوع نمی‌باشند و این دلالت دارد بر تجویز همیشگی خدا برای ثمردهی هر فصل. **برگ‌های آن درخت برای شفای امت‌ها می‌باشد،** و این تمثیل روشنی برای بیان این حقیقت است که ساکنین آن دیار از سلامت کامل برخوردار خواهند بود.

۳:۲۲ـ۵ آ.تی.پریسون، این آیات را بدین طریق تفسیر کرده است:

«دیگر هیچ لعنت نخواهد بود» ـ بی‌گناهی کامل.

«و تخت خدا و برّه در آن خواهد بود» ـ حکومت کامل.

«و بندگانش او را عبادت خواهند کرد» ـ خدمت کامل.

«و چهرهٔ او را خواهند دید» ـ ارتباط کامل.

«و اسم وی بر پیشانی ایشان خواهد بود» ـ شباهت کامل.

«و دیگر شب نخواهد بود» ـ خوشبختی کامل.

«و تا ابدالاباد سلطنت خواهند کرد» ـ جلال کامل.

س. آخرین اخطارها، تسلی، دعوت، و طلب برکت در دعای خیر (۶:۲۲ـ۲۱)

۶:۲۲ فرشته بار دیگر ارزش آنچه را که بر یوحنا آشکار شده است، به او یادآوری می‌کند: «خداوند خدا... فرشتهٔ خود را فرستاد تا به بندگان خود، **آنچه را که می‌باید واقع شود، نشان دهد.**»

۷:۲۲ اوج و کانون اصلی همه چیز ظهور پرجلال نجات‌دهنده خواهد بود. او ما را مطمئن می‌سازد که **به زودی** می‌آید. این کلمه ممکن است هم فوری باشد و هم ناگهانی. ولی « به زودی» ارجح است. برکت خاصی به کسی که **کلام نبوت این کتاب را نگاه** می‌دارد، وعده داده شده است. ما نیز می‌توانیم این کلام نبوت را در زیستن با امید او نگه داریم.

۸:۲۲-۹ وقتی که یوحنا **این امور** را می‌شنود و می‌بیند، به پای فرشته می‌افتد، ولی فرشته او را منع می‌کند. فرشته فقط یک مخلوق خداست، تنها خدا شایسته ستایش است.

۱۰:۲۲ یوحنا نمی‌بایست که کلام **نبوّت** را **مهر** کند، چونکه وقت تحقق نبوت نزدیک بود.

مهر کردن در اینجا به معنی به تعویق انداختن افشاگری است.

۱۱:۲۲ وقتی زمان تحقق نبوت می‌رسد، **ظالم** همچنان ظالم خواهد ماند. **خبیث** در وقتی که خداوند به زمین بازمی‌گردد، دیگر شانسی برای عوض شدن ندارد، ولی عادلان به عدالت ادامه خواهند داد، و **مقدسان** در تقدس خواهند زیست.

۱۲:۲۲–۱۳ بار دیگر خداوند بازگشت خود را به زودی، اعلام می‌دارد. زمان بازگشت او همزمان با وعدهٔ **جزا** دادن به مردم **بر حسب اعمالشان** می‌باشد. بار دیگر خداوند، خود را در لقب **الف و یاء**، معرفی می‌کند ـ کسی که همه چیز را آفریده است، پرده را بر صحنه زمان، می‌کشد.

۱٤:۲۲ این آیه را اینگونه هم می‌شود قرائت کرد: «خوشا به حال آنانی که احکام خدا را انجام می‌دهند.» و یا «خوشا به حال آنانی که جامه‌های خود را می‌شویند.» هیچ یک از این قرائت‌ها آموزنده نجات از طریق اعمال نمی‌باشند، بلکه اعمال میوه و منفعت نجات می‌باشد. تنها ایمانداران واقعی به**درخت حیات** و **شهر** ابدی دست می‌یابند.

۱۵:۲۲ **سگان، جادوگران، زانیان، قاتلان**، و **بت‌پرستان** و **دروغ‌گویان** برای همیشه از ورود به بهشت محروم خواهند شد. شاید منظور از **سگان** فاحشگان (تثنیه ۱۸:۲۳)، امت‌های ناپاک (متی ۲٦:۱۵)، و یا یهودی‌گرایان (فیلیپیان ۲:۳) باشد.

۱٦:۲۲ خداوند **فرشته** خود را با این پیغام به **کلیساها** می‌فرستد. خداوند از خودش با نام **ریشه و نسل داود**، یاد می‌کند. خدا در خدائی خود خالق داود و در انسانیت خود از نسل داود است. **ستارهٔ درخشنده صبح** قبل از طلوع آفتاب در آسمان ظاهر می‌شود. عیسی اولین وارد شونده کلیسا به صورت **ستاره درخشنده صبح** خواهد بود. این مرحله‌ای است که در «ربایش» صورت می‌گیرد. اما بعداً به صورت آفتاب عدالت خواهد آمد و «بر بالهای وی شفا خواهد بود (ملاکی ۲:٤).

۱۷:۲۲ دو راه برای درک این آیه وجود دارد: اول اینکه ممکن است اشاره به اعلام انجیل توسط **روح** و **عروس** باشد ـ هنگامی که شنوندگان برای آمدن نزد مسیح به جهت کسب نجات اعلام تشنگی کنند. و یا اولین کاربرد کلمه «**بیا**» ممکن است دعا برای تعجیل آمدن مسیح باشد، که با دو دعوت به »آمدن» نجات نیافتگان دنبال می‌شود، مبنی بر اینکه برای کسب **آب حیات** (نجات) نزد مسیح بیایند و آماده آمدن او باشند.

۱۸:۲۲–۱۹ اگر انسان چیزی بر **این کتاب نبوت بیافزاید**، متحمل بلاهائی می‌شود که در این کتاب، مکتوب است. چونکه موضوعات این کتاب چکیده کتاب مقدس است، هرگونه دستکاری در آن عواقب وخیمی دارد.

مجازاتی مشابه مجازات فوق بر هر کسی که «**از این کلام نبوت چیزی کم کند**» اعمال خواهد شد. این مجازات شامل تفسیر کتاب نخواهد شد، بلکه شامل هجوم همه‌جانبه به الهام خدا و تمامی کتب مقدس خواهد بود. جریمه چنین کارهائی مجازات ابدی است و خدا کسی را که مرتکب چنین عملی شود، **نصیب او را از درخت حیات منقطع خواهد کرد**. و این یعنی که هرگز در برکات آنهائی که دارای حیات جاودانی هستند، سهیم

نخواهد شد.

۲۰:۲۲ کتاب مکاشفه با یک وعده و یک برکت به پایان می‌رسد. وعده این است که عیسای مسیح خداوند، بزودی **می‌آید**. آن چنان که قبلاً گفتیم، این کلمه هم می‌تواند معنی فوری را بدهد و هم معنی ناگهانی. امید به برگشت ناگهانی، هیجان آن انتظار و نگرانی را، که در امید به زود برگشتن است، نمی‌رساند. هر شخصی آمرزیده‌شده‌ای به این امید متبارک چنین پاسخ می‌دهد: «**آمین بیا، ای خداوند عیسی!**»

پیدایش	**مکاشفه**
آفرینش آسمان و زمین (پیدایش ۱:۱).	نابودی آسمان و زمین (مکاشفه ۱۱:۲۰).
شروع حاکمیت شیطان بر زمین (پیدایش ۱:۳).	افکنده شدن شیطان به دریاچه آتش (مکاشفه ۱۰:۲۰).
ورود گناه به جهان (پیدایش ۱:۳ـ۷).	رفع گناه از زمین (مکاشفه ۲۷:۲۱).
نفرین شدن آفرینش (پیدایش ۱:۳ـ۷).	رفع نفرین (مکاشفه ۳:۲۲).
جریمه خوردن از میوه درخت حیات (پیدایش ۲٤:۳).	دسترسی به درخت حیات بدون ممانعت (مکاشفه ۲:۲۲ و۱۹).
خلع ید انسان از حاکمیت باغ عدن (پیدایش ۲٤:۳).	پذیرفته شدن انسان در فردوس (مکاشفه ۱:۲۲ـ۷).
ورود مرگ به جهان (پیدایش ۵:۵؛۱۷:۲).	نابودی ابدی مرگ (مکاشفه ٤:۲۱).
ازدواج آدم اول (پیدایش ۱:٤).	ازدواج آدم آخر (مکاشفه ۷:۱۹).
شروع اندوه و رنج انسان (پیدایش ۱٦:۳).	پایان اندوه و رنج انسان (مکاشفه ٤:۲۱).

۲۱:۲۲ و اینک به اخرین برکت این کتاب عجیب مکاشفه و کلام خدا می‌رسیم. پایانی مسالمت‌آمیز بر کتابی که مملو از داوری رعدآسای خداست.

یوحنا «**فیض خداوند ما عیسی مسیح**» را آرزو می‌نماید که با همهٔ مردم خدا باشد.

معمولاً سه قرائت از این آیه وجود دارد:

۱ـ یوحنا فیض مسیح را برای همه می‌طلبد ـ که این مورد با توجه به اعمال خشم خدا بر اکثریت، به سختی در زمینه اصلی کتاب مکاشفه می‌گنجد.

۲ـ قرائت سنتی بهتر است: درخواست فیض خدا برای «همهٔ شما»، حاکی از این است که بسیاری از شنوندگان و خوانندگان مکاشفه، ایمانداران واقعی خواهند شد.

۳ـ بهترین قرائت، با توجه به تضاد شدیدی که بین مقدسین و گناهکاران در این کتاب یافت می‌شود این است که: «فیض خداوند ما عیسی مسیح با همهٔ شما مقدسین باد، آمین.»